

نامه  
مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم ، سال دوم ، شماره ۳۷۱  
شنبه ۲۳ آبان ۱۳۵۹ ، مطابق با  
مهرم ۱۲۰۱ ، به ۱۵ ريال

# توجه از جبهه جنگ نباید منحرف شود

مطبوعات ما باید مواظب باشد، افغان عمومی از مسائل جنگ به مسائل فرعی منحرف نشود.

(از گفته‌های امام‌خینی در دیدار با مسئول ستاد تبلیغاتی شورای عالی دفاع)

مبارزات سیاسی - اجتماعی خیلی شبیه به مبارزه در جبهه جنگ است. در جنگ وقتی یکنانی برای تصرف موضعی از دشمن، بست آن موضع می‌رزد و پیش می‌رود، دشمن از پهلو آن را زیر آتش می‌گیرد، تا یکنان جلب این آتش شود و سمت پیشروی خود را تغییر دهد. فرمانده و سربازان این یگان اگر آزموده و کار کشته باشند، جلب این آتش پهلوئی نمی‌شوند، قلب حرکت را کم نمیکنند، به حرکت خود بسوی موضعی که می‌بایستی تصرف کنند، پیش می‌روند، و ضمن این پیشروی بسوی هدف اصلی، فقط نیروی کمی را برای خنثی کردن آتش پهلوئی مصرف می‌کنند، آنهم برای تأمین امنیت از پهلو جهت انجام مأموریت اصلی، که تصرف موضع دشمن است.

در مبارزات اجتماعی - سیاسی نیز نباید جلب «آتش پهلوئی» شد. ضمن تصرف نیروی کمی برای خنثی کردن این «آتش پهلوئی»، باید عمده نیرو را در جبهه اصلی بکار برد و این جبهه اصلی، در شرایط کنونی، جبهه جنگ عادلانه با صدام، یعنی با نیروی تجاوزگر مسلحی است که بشعربك آمریکا بر کشور ما، برای شکستن انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، تاخته است.

«آتش پهلوئی» بورژوازی لیبرال ایران شاید حساب شده و شاید از روی غریزه طبقاتی باشد، ولی در هر حال نتیجه مخرب آن یکی است. جنگ باعث تسریع تعمیق انقلاب، هم در جهت ریشه کن کردن بازمانده‌های نفوذ امری - یالیسداریان و هم در جهت ترفرت کردن بقیه در صفحه ۲

## راه صدام، راه جلادان تاریخ است...

با ینک در غلظتین بیکر هر ایرانی دلوری که در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران جان می‌بازد، رژیم جنایت پیشه صدام گام دیگری در غرقاب خیانت و جنایت بر میدارد و جای خود را در زیالهدان تاریخ بیشتر از پیشتر در کنار جلادان چون شاه شاهان، «دیتلر»، «هیتلر»، «دوان تیو» و... استوار می‌کند! راهی که صدام می‌رود همان راهی است که جلادان تاریخ، از اسکندر و چنگیز تا هیتلر و پینوشه و محمدرضا پیسوده‌اند. بقیه در صفحه ۷

### حجت الاسلام خامنه‌ای:

شیطان بزرگ آمریکا، اروپا و شیطان‌های متوسط و کوچک دیگر کمر به قلع و قمع جمهوری اسلامی و خط امام بسته‌اند

- دولت فرانسه به دشمن ما کمک می‌کند و دولت‌های مرتجع منطقه، بعضی علنا، بعضی درخفا به ما خیانت می‌کنند.
- روحانیت در فرماندهی جنگ دخالت ندارند، حتی شورای عالی دفاع هم نسبت به ارتش فرماندهی نمی‌کنند.
- آنهايي که منتظر بودند جمهوری اسلامی مثل شمع خاموش بشود و از بین برود، خودشان خاموش می‌شوند و اثری از آنها باقی نمی‌ماند.

اسلامی و خط قرآن و خط امام بسته‌اند. بسیاری کسانی که می‌گویند تکبیره فریبده شما ضعیف اما این ملت میخواهد ثابت کند فرزند حسین است، دنباله‌رو راه حسین است. من به امام امت بعنوان يك مبارز عرض می‌کنم، ای امام بزرگوار روی این ملت حساب کنید این ملت، ملت فداکاریست. وی افزود درست است امروز اروپا هم در کنار آمریکاست، دولت فرانسه به دشمن ما کمک می‌کند، دولت‌های مرتجع منطقه بعضی علنا، بعضی درخفا به ما خیانت می‌کنند اما بدانید که دشمن در حال ذوب شدن است، حجت‌الاسلام خامنه‌ای در قسمت دیگری از خطبه‌های نماز جمعه گفت: «باید دشمن یا افرادی که نسیانند و ناآگاهانه دشمنی می‌کنند در ذهن بعضی از افراد برجیر و بی‌اطلاع تریزیک کنند که چرا جوانان ما در میدان کشته می‌شوند، وقتی انسان دنبال يك ایده و آرمانی حرکت نمی‌کند زحمت هم نمی‌خواهد بکند، تلاش هم ندارد، فداکاری هم نمی‌خواهد» بقیه در صفحه ۷

## طبق سند مهم لانه جاسوسی امریکادر تهران، که توسط روزنامه تشرین چاپ شد

# ایجاد جنگ میان ایران و عراق از جمله آخرین طرح‌های امپریالیسم امریکا بمنظور براندازی جمهوری اسلامی ایران بوده است

شده قبل، یعنی تعریک سران عشایر، برانگیختن احساسات لیبونالیستی و قبیله‌ای، کمک کردن به برپا شدن جبهه‌های سیاسی چپ و راست در داخل ایران و مبعثر از همه شعله‌ور کردن آتش اختلاف و جنگ میان ایران و کشورهای همسایه ایران که اختلافات مرزی دارند، استفاده شود که البته در داخل تا حدودی زمینه‌ها برای آشوب و ناامنی در پاره‌ای از مناطق ایران فراهم شده است و اگر بهایر برنامه‌ها همزمان با جنگ‌های داخلی بقیه در صفحه ۲

روزنامه معتبر تشرین، چاپ دمشق، در شماره مورخ ۲۱ آبان ماه ۵۹ خود، فتوکپی یکی از اسناد مهم بدست آمده از لانه جاسوسی امریکا در تهران را کلیشه کرده، که در آن توطئه‌های دامنه‌دار امپریالیسم امریکا بمنظور سرنگونی جمهوری اسلامی ایران طرح و تشریح شده است. در این سند، که خبرگزاری پارس مضمون آنرا منخیره کرده است، «ایجاد جنگ میان ایران و همسایگان آن که اختلافات مرزی دارند» بعنوان یکی از آخرین حربه‌ها برای ساقط کردن جمهوری اسلامی ایران پیش‌بینی شده است.

## مدافعان انقلاب، دشمن را از اطراف آبادان به عقب راندند

پادگان بویان، پادگان حلبچه، تاسیسات نفتی فلو و گمرک صفوان و بندر ام‌القصر مورد حمله نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران قرار گرفتند

یک میگ عراقی در پوشش سرنگون شد

کرده است که: مدافعان انقلاب در چهارشنبه در جنوب اهواز در يك عملیات هماهنگ در منطقه دپ هردان، ۴ تانک و یک خودروی دشمن را منهدم کردند.

ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، طی اطلاعیه شماره ۲۸۵ خود، عملیات نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران را طی روز چهارشنبه تا ۲ صبح روز پنجشنبه در داخل خاک عراق علیه تجاوززین بعضی چنین برشمرده است:

در این سند، که در پاسخ «نامه محرمانه قسمت سیاسی وزارت امور خارجه آمریکا مورخ خرداد ۵۸» تهیه شده و تاریخ تیرماه ۵۸ (۴ ماه قبل از فتح لانه جاسوسی آمریکا) را بر خود دارد و چندین بار عبارت‌های «بسیار مهم»، «خیلی سری» و «بسیار مهم و حساس» بر آن نقش بسته است، طرح‌های زنجیره‌ای و گسترده چنانچه کاران امپریالیست امریکائی برای انجام قطعی انقلاب ایران، برشمرده شده است.

در سند آمده است که: پنتاگون و سیه‌کلیه نظریات

# لیبرال‌ها از کدام «آزادی» دفاع می‌کنند؟

در این روزها لیبرال‌ها - ناسیونال بورژوازی لیبرال ایران - که تریا بلافاصله بعد از سقوط رژیم استبدادی «آریامیری» سه بار به ۹ بار از انقلاب پشتیبان شدند، بیشتر از هر وقت دیگر «آزادی» خواستند و زیر پرچم «آزادی» به مبارزه برخاسته‌اند.

این کدام «آزادی» است که آنها میخواهند؟ آزادی از قید وابستگی، یا آزادی برای حفظ وابستگی؟ آزادی مستغمان از ستم مستکبران، یا آزادی مستکبران به ادامه ستمگری بر مستغمان؟ آزادی زحمتکشان شهر و ده از قید استثمار یا آزادی کلان سرمایه‌داران و کلان زمین‌داران به ادامه استثمار زحمتکشان؟ آزادی بیان و عقیده و قلم و احزاب سیاسی برای همه اقشار اجتماعی و انقلابی، یا فقط برای خودشان؟ آزادی برای شرکت نمایندگان تمام طبقات ضامریالیست جامعه در حکومت، یا آزادی برای تصرف انحصاری حکومت توسط بورژوازی؟ آزادی برای مبارزات عقیدتی و ایدئولوژیک؟ بقیه در صفحه ۲

واقعیت بر «سوءظن» ناشی از تبلیغات امپریالیستی چیره خواهد شد

۱- انهدام بیش از ۹۰ درصد سایت استراک سمع پنتوین در شمال شرقی عراق،  
۲- حمله به پادگان بویان در شمال شرقی عراق و نابود کردن بقیه در صفحه ۷

خلیان جوان ایرانی:

ما با مردم عراق نمی‌جنگیم و هرگز نقاط مسکونی شهرها را بمباران نخواهیم کرد

افکار عمومی مردم ساده اروپای غربی بر اثر تجاوز عراق به ایران، بطور چشمگیری بسود ایران تغییر یافته است (از گفتگو با دو خبرنگار اروپائی)

# برای مبارزه با امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

### طبق سندهم...

**بقیه از صفحه ۱**

موفقت آمیز از آب در بیابند، نیز به اجرای آخرین مرحله که همانا جنگ راه انداختن بین ایران و کشورهای همسایه ایران است، باقی نخواهد ماند، ولی اگر با شکست مواجه بشود چه راهی جز اجرای برنامه اخیر طبق تصمیمات اتخاذ شده نخواهد بود. این سند، بار دیگر این واقعیت را با سرحایت و روشنی شکستناپذیری به ثبوت میرساند که، امپریالیسم امریکا دشمن کینه توز و هیبتکی انقلاب ایران است و تنها در صورتی آرام خواهد گرفت که یا انقلاب ایران را خرد و مضطرب سازد و حاکمیت و استکان خود را بر ایران تأمین کند و یا در برابر اتحاد و مقاومت و استواری مردم ایران در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، با شکست قطعی و نهائی مواجه گردد.

بدینسان روشن میشود که، جنایتکاران امریکائی حتی از تیر ماه ۵۸، به تجاوز خائفانه صدام حسین به ایران، بعنوان حربی همی علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران سرنگریستند و آنرا در صورت شکست کلیه تمهیدات و توطئه های خود، به عنوان آخرین مرحله در نظر داشته اند.

براستی نیز آغاز تجاوز نظامی صدام حسین، که مقدمات آن از همان روزهای پس از ۲۲ بهمن فراهم میگردد، زمانی صورت گرفت که توطئه عظیم امپریالیسم امریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران شکست خوردند و زمان آن رسید که زنجیر صدام را بکشایند.

این سند همچنین بار دیگر صحت هتداهای حزب تودما ایران را نسبت به نقش خائفانه و توطئه گرانه رژیم جنایتکار صدام حسین، نشان میدهد. حزب توده ایران از همان اولین ماههای پس از انقلاب ایران، با ادله و شواهد مسلم، نقش توطئه گرانه این رژیم ضد خلقی را علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران فاش ساخت و دولت جمهوری اسلامی ایران را به هتدای و قطع دست تجاوز شکان خارجی ایران را بدست داشتند، بجای افشای این نقش خائفانه، در قبال آن سکوت کردند و در واقع در چشمان هتدای مردم انقلابی ایران، خفاک پاشیدند. آنها پس از تجاوز امریکائی صدام علیه ایران نیز بجای نشان دادن دست اصلی و واقعی امپریالیسم امریکا در پشت این تجاوز، تلاش کردند تا شیطان بزرگ را از زیر ضربه خارج سازند و پای اتحاد شوروی را به میان آورند.

و سرانجام این سند، که خود از مرکز جاسوسی تسخیر شده آمریکا بدست آمده و اعترافی است مبنی بر آنکه کلیه طرح های امپریالیسم امریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران به شکست انجامیده و نوبت به تجاوز رژیم جنایتکار صدام رسیده است، خود در بطن خویش پیروزی بزرگ انقلاب ایران و شکست تملاتهای مذبحخانه امپریالیسم را علیه یک خلق مصمم و پهل خاسته مینمایاند.

آری، این طرح نیز محکوم به شکست است.

### توجه از جبهه...

**بقیه از صفحه ۱**

خصلت مردمی انقلاب شده است. توده های میلیونی زحمتکشان و مستضعفان با فداکاری و از جان گذشتگی، چه در جبهه جنگ و چه در پشت جبهه، با قدرت وارد میدان نبرد انقلابی شده اند. جنبش طوفان آسای انقلابی توده های میلیونی، که بر اعصاب هرگونه سختی ناشی از جنگ، بمرکت آمده است، آرایش قوای انقلابی (توده های زحمتکش) و ضد انقلابی (بزرگ سرمایه داران وابسته و بزرگ مالکان) را مشخص تر کرده است. در این میان «هل» سازش پیروزی لیرال فرو میریزد و این پیرو با سرعت بیشتری از جبهه انقلاب به

### لیبرالها از کدام...

**بقیه از صفحه ۱**

لوزیک برای همگان یا آزادی برای تصرف انحصاری تمام رسانه های گروهی بقصد تبلیغ و تحمیل نظرات ایدئولوژیست سیاسی بورژوازی؟

قبل از تشریح و پاسخگویی به سئوالات فوق، بیجاست به نکته قابل توجهی اشاره کنیم. ما بارها گفته ایم و تکرار و تاکید کرده ایم که ما را با افراد و اشخاص کاری نیست و حب و بغضی به این و آن نداریم. ما حزب سیاسی هستیم و با «خط سیاسی» کار داریم. در روزهای اخیر، زیر فشار حوادث مشاهده شد که آن پراکندگی ظاهری بین نمایندگان بورژوازی لیرال تا حدود زیادی از بین رفت، حتی اختلافات شخصی که بین برخی از آنها وجود داشت، کنار رفت و صف نمایندگان بورژوازی لیرال مشخص شد. معلوم شد که این «خط سیاسی» است که گویندگان خود را عرضه می دارد. معلوم شد که این گویندگان میزنند مگلا یا مسم باشند. اکنون دیگر مشخص شدن دقیق و کامل «خط سیاسی» بورژوازی لیرال ایران، که همه نمایندگان آن با «استدلالات» و شیوه عمل مبین هم گویی از آن دفاع میکنند، ما را از بردن در مواردی که گویند جملاتی نمونه وار بیان دارد، آنها برای سهولت در تبیین و تشریح مضمون مطلب، پس ضمن خودداری از بردن نام اشخاص به مطلب بپردازیم.

آن «آزادی» که بورژوازی لیرال ایران می خواهد - در زمینه اقتصادی، آزادی برای حفظ وابستگی به غرب، یعنی به سرمایه داری امپریالیستی است. او معتقد است که ایران باید وابسته به سرمایه داری امپریالیستی باقی بماند و مدعی است که بدون این وابستگی، ادامه «حیات» ممکن نیست. این موضوعگیری در این جمله خلاصه و اعلام شده است که: «چون وابسته بودیم، به ناچار باید وابسته بمانیم!»

چرا در دوران حکومت مطلقه «آریامهری»، بورژوازی لیرال ایران با «افراط» استبداد، مخالف بود؟ برای اینکه این «افراط» باعث شده بود که گروه معدودی از سرمایه داران کلان شریک درباریان، با تکیه به قدرت دربار، بتوانند «مهم» شیره را از غارت بیت المال و حاصل رنج زحمت

آسوی «هل» میگریزد. باین دلیل است که نمایندگان سیاسی بورژوازی لیرال به جنب و جوش افتادند و آتش از پهلو گشوده اند. این تحول - صرف نظر از فراز و نشیب آن، در آخرین نتیجه بسود انقلاب «کوخ نشینان» و در جهت تأمین پیروزی قطعی باقی و بربرکت خط امام است.

حزب توده ایران، که در جبهه «کوخ نشینان» قرار دارد و از «خط امام» پشتیبانی میکند، نیک متوجه است که نباید جلب «آتش پهلوئی» شد: همه چیز برای جبهه جنگ و برای درهم شکستن متجاوزان

حزب توده ایران، نه در حرف، بلکه در عمل در این جبهه انقلاب قرار گرفته است. «توده ایها» در کنار دیگر برادران

کشان، به بلعدن و قطع سهم گریه را برای بورژوازی لیرال از این غارت بگذارند. آنها «آزادی» را برای فطرت عادلانه از بورژوازی لیرال سلب کرده بودند. این بود که بورژوازی لیرال نامه شکواییه از «افراط لعلیحضرت» به نمایندگان رسمی امریکا تقدیم میکرد، خواستار پادشاه عادلتری بود، که «آزادی» را برای بورژوازی لیرال رعایت کند و چون این تقاضا اجابت نشد، مبارزه در راه «آزادی» از طرف لیرالها تا آنجا شدت گرفت که خواستار شدند شاه طبق قانون اساسی فقط سلطنت کند و نه حکومت، و آنکاه که اسواج خروشان انقلاب حکومت سلطنت «لعلیحضرت» را یکجا برد و به زباله دان تاریخ افکند، بورژوازی لیرال راضی به «شرطیت بدون شامه» شد.

ولی انقلاب، که با محتوای ضد امپریالیستی (استقلال طلبانه) و مردمی (سود مستضعفین) زیر پرچم اسلام انقلابی و به رهبری امام خمینی انجام گرفت، انقلاب که «کوخ نشینان» علیه کاخ نشینان بود، به روند خود ادامه داد و موضع کلان سرمایه داری وابسته را هدف قرار داد و بل وابستگی به سرمایه داری امپریالیستی در معرض خطر شکست قرار گرفت. بورژوازی لیرال که متوجه شد با قطع وابستگی نخواهد توانست رشد کند، از انقلاب پشتیبان شد و با تمام نیرو کوشید که از مرگ کلان سرمایه داری وابسته جلو گیرد، انقلاب را رترمز کند و راه سازش با امپریالیسم، بر سرزدگی امریکا را هوار سازد.

نمایندگان بورژوازی لیرال که در دولت «کم» به گام بودند، برای رسیدن باین مقصود، کوشیدند که از اعدام نمایندگان سیاسی کلان سرمایه داری وابسته، یعنی سره های «استبداد مطلق» جلوگیری کنند، عمل دادگاههای انقلابی را «آبروریزی» دانستند، کوشیدند دستگاه اداری رژیم «استبداد مطلق» و حکومت سر- مایه داری وابسته را حفظ کنند، «آدم» برای تغییر سره های سابق نیافتند. «آزادیخواهی» را فراموش کردند و خواستار انحصار قدرت حاکم در دست خود شدند، از «تمد» مراکز تصمیم گیری فنان سر دادند و فریاد برآوردند که «آقا هم ماشااله ما را کلافه کرده است».

پس از سقوط «دولت موقت»، به دنبال مذاکرات محرمانه با بورژوازی (محرمانه نبوده است؟) پروتکل مذاکرات را ارائه و منتشر کنید، یانه، در اینجا دیگر

و خواهران مسلمان انقلابی، در جبهه جنگ با از جان گذشتگی میزنند. در پشت جبهه جنگ، هر آنچه از دستشان برمی آید برای تقویت جبهه جنگ، با فداکاری انجام میدهند. نه فقط آتش محبت و افراتی که از سوی ضد انقلاب و نیز از سوی بورژوازی لیرال «پیشبان» از انقلاب بر روی «توده ایها» گشوده شده، بلکه حتی نامهربانیا و برانصافی- هائی هم که از جانب برخی از نیروهای مسلمان راستین انقلابی، ولی دچار پیشداوریا، نسبت به «توده ایها» روا می شود، کترین سستی و خللی در فعالیت اینارگانه «توده ایها» در جهت تأمین پیروزی قطعی و نهائی انقلاب، تأمین پیروزی قطعی و نهائی در جنگ، تأمین

«آزادی» لازم نیست و مسردم نامرئند!»، بورژوازی لیرالیه مبارزه خود برای حفظ وابستگی بدلیل وابستگی، برای حفظ سرمایه داری و بزرگ مالکی از گزند انقلاب «کوخ نشینان» برای حفظ میدان مبارزه سیاسی خود را بنام «آزادی» ادامه داد و میدهد. شاید بورژوازی لیرال خواستار آزادی بیان و قلم و عقیده و اجتماعات و احزاب سیاسی است؟ عمل، و نه ادعا، روشن میکند که بورژوازی لیرال آزادی را در این مقطع نیز فقط برای خود میخواهد و لاغیر.

مگر این نمایندگان بورژوازی لیرال نبودند که در دولت موقت مدعی بودند که همان «هوانین» دوران رژیم استبداد مطلق خونخوار سلطنتی باید نسبت به حزب توده ایران افعال کردها مگر اینان که امروز خواستار منظره آزاد و برقیه و شرط در رادیو- تلویزیون هستند، همانهایی نبوده و نیستند که بدوران ۸ ماه سرپرستی این تریبون بزرگ تبلیغاتی، هر دشنام و افترا و تهمت که خواستند بر ضد حزب توده ایران گفتند و انتشار دادند، بدون اینکه امکان دهند که حتی یکبار هم شده، گوینده ای از حزب فاء از رادیو- تلویزیون از خود دفاع کنند! اینان که امروز یکباره عائق آن موادی از قانون اساسی موجد آزادیهای سیاسی عقیدتی شده اند، مگر نمیدانند که اکنون نزدیک ۴ ماه است که حزب توده ایران از آزادی استفاده از دفتر نامه «مردم» و دبیرخانه کمیته مرکزی حزب محروم شده است؟ پس چرا لب از لب نمی کشایند که: «آقایان آزادیهای مصرح در قانون اساسی را رعایت کنید!»، همین چند روز پیش نامه «مردم» برای دو هفته از انتشار منع گردید. ولی هیچ لیرال طرفدار «آزادی» خم به ابرو نیارود که سهل است، برعکس، بورژوازی لیرال از نه دل شادمانه خندید، تا بناگوش دفتانهای خود را نشان داد، تنها به قاضی رفت و هرچه توانست دشنام و توهین و افترا علیه حزب توده ایران روی کاغذ ریخت. و این روش عادلانه آزادیخواهانه! همچنان ادامه دارد. و این سیاست ضد آزادی واقعی را لیرالها نه فقط درباره حزب توده ایران، بلکه علیه هر نیروی انقلابی، ضد امپریالیستی و خلقی راستین اعم از مذهبی و غیر مذهبی، بکار برده اند و میبرند.

بورژوازی لیرال با «انحصار- طلبی» مبارزه میکند، نه به خاطر مبارزه با انحصار طلبی، برای «آزادی» مبارزه میکند، نه برای

پیروزی قطعی و نهائی «خط امام»، توانسته نمیتواند و نخواهد توانست بوجود آورد. حزب توده ایران هیچگاه جلب «آتش پهلوئی» نشده و نخواهد شد. ما در عمل، متشی خود و امتقاد راستین خود و تهدد بر خسته خود را نسبت به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران اثبات کرده و میکنیم. ضد انقلابها را بخوبی میشناسد و کین تیزی او نسبت بنا طبیسی و مفهومی است. بگذار آن نیروهای راستین انقلابی دچار پیشداوریا نیز ما را، نه چنانکه دشمن ما را معرفی میکند، بلکه چنانکه هستیم، بشناسد. این بسود انقلاب در تمام جهات نبرد، چه امروز و چه فردا است، و قاطعیت و صداقت انقلابی آنرا ایجاب میکند.

در این زمینه از طرف حزب ما بعمل آمده تحقق یافت. دیگر نیروهای راستین انقلابی نیز، بویژه مسلمانان انقلابی برخلاف ادعای موزیانه و تفرقه افکنانه تبلیغاتی بورژوازی لیرال، نه تحت تأثیر «توده ایها»، بلکه تحت تأثیر تجربه خود و در جریان مبارزه دریافتند و هر روز بیشتر به این واقعیت اجتماعی - سیاسی معیتر لیرال «اسب قروی سرمایه داری امپریالیستی» و کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی ایرانی درون «دزه» انقلاب ایران است. این دیگر «گناه» حزب توده ایران نیست. حاصل صداقت و قاطعیت نیروهای اسلامی راستین انقلابی بر ضد امپریالیسم و بر ضد کلان سرمایه داری وابسته و بزرگ مالکی است.

اینکه بورژوازی لیرال در این روزها تمام نیروهای ذخیره خود را بیدار آورده، علامت ضعف است. او احساس میکند که مواضع اقتصادی - سیاسی و معنوی خود را با سرعت بیشتری از دست میدهد. جنگ چنایت- کارانه ای که امریکا بدست صدام بر کشور ما تحمیل کرده، باعث تسریع تمیق انقلابیست و آرایش قوای اجتماعی - سیاسی را به زیان بورژوازی لیرال و بسود نیروهای راستین انقلابی، که بیاتگرخواست و آرمان و آرزو- های زحمتکشان و مستضعفانند، تقویت و مشخص تر کرد. بورژوازی لیرال، که زمین را زیر پای خود سست تر از گذشته احساس می کند، بر خاشاچوئی شده است و این قانونمند است. بر خاشاچ نشان قدرت و نیست، علامت ضعف است.

ما در این باره در فرمنت دیگری سخن خواهیم گفت.

### کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است

- ۴. م. دبیرستان فاطمه امینی ۴۰۰۰ ریال
- از غرب ۱۴۵۰۰ ریال
- رضا کارگر جادسار ۱۰۰۰۰ ریال
- پویا، و از کرج ۵۰۰۰ ریال
- کیوان ۲۰۰۰۰ ریال
- بیتا از هامبورگ ۴۰۰۰ ریال
- ۳. ا. پویا از ساری ۳۰۰۰۰ ریال
- ۲. و یکی از هواداران حزب ۱۰۰۰ ریال
- ۴. م. از سامان شهرکرد ۵۰۰ ریال
- کمک ۴ نفر توسط آذر ۱۳۵۰۰۰ ریال
- ۴. ج. از بجنورد ۵۰۰۰ ریال
- علاقتمندان می توانند کمک مالی خود را بحساب بانکی به نام تقی کرمنش وبه شماره ۳۳۳۲ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه شاه اسماعیل صفوی)، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی بپردازند.

درباره جنبش مقاومت فلسطین (۲)

جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین

کسردهای شمارمی آید.

درباره پانزدهمین اجلاس "تورای ملی فلسطین"

"انک" "جبهه" دمکراتیک خود را برای اجلاس آینده "تورای ملی فلسطین" عالی-نرس ارگان "سازمان آزادی بخش فلسطین" آماده می یابد. "تورای ملی فلسطین" منزله پارلمان فلسطین و از رستان ۱۳۵۸ به بعد دارای ۳۰۱ عضو است. در این اجلاس ما باید به مهم ترین پرسش های دوران ما پاسخ دهیم. در درجه نخست، لازست که قطعنامه ۱۹۷۹ "تورای ملی فلسطین" را جامه عمل بیوتانیم و در سررس های ریز اشغال اسرائیل جنبش آزادی بخش ملی پدید آوریم، که متشکل از همه مارزان علیه ارتجاع و ادامه دهنده سیاسی و سکیلائی "سازمان آزادی بخش فلسطین" در مناطق اشغالی باشد.

درباره "ابتکار" کشورهای اروپای باختری "اجلاس" "تورای ملی فلسطین" باید به تعویب "جبهه" یاداری اعراب "کنک رساد" و به سطح همه نیروهای عرب، که علیه تباری های "کمپ دیوید"، مذاکرات دربار "خودمختاری" و فرار داد خیانکارانه ای، که آذات به امضای آن تن درداد، مبارزه میکند. همسرورد. همچنین باید درباره "ابتکار" گوناگونی موضع گرفت، که کشورهای اروپای باختری در حال حاضر از طریق آنها می خواهند تانی های "کمپ دیوید" را "تکمیل" کنند. امید آنها اینست که از این راه این دسبه ها را از سر بی برهاند.

اجلاس "تورای ملی فلسطین" همچنین باید با برخی از تلاش های "جبهه اروپا" به مقاله بپردازد، که می خواهند اردن، محافل ارجاعی فلسطین و عربستان سعودی را به سز مذاکره بکنند و از این راه هدف های نسیم-طلانه، امپریالیسم را در حاور صباه برآورده سازند. امپریالیست ها مایلند سیاست "کمپ دیوید" را ادامه دهند. آنها قصد دارند که تباری های ناسرده را در سته بندی جدید ارائه دارند و بدون آنکه از "کمپ دیوید" نام ببرند. در واقع برنامه "کمپ دیوید" را اجرا کنند.

درباره مناسبات با کشورهای سوسیالیستی "من ایمان دارم که اجلاس" آتی "تورای ملی فلسطین" در قطنامه ای توسعه، مناسبات "سازمان آزادی بخش فلسطین" را با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی خواستار خواهند شد. این مناسبات دارای اهمیت اسرائیزیک است و یکی از شرایط اساسی بیکار مومعنا آمیر را در حاور نزدیک تشکیل میدهد.

درباره متی کنونی اسرائیل "بظن منمیرسد که دولت اسرائیل اصحاب خود را از دست داده است. اختناق وسیعی در سرسپای اتعالی برقرار شده که بویزه علیه شخصیت های ملی، از جمله شهردارهای شهرها و فریه های عرب نشین متوجه است. (اسرائیلیها) ایما "سیاست پنجه آهنین" می نامند و برای پیشبرد آن حتی به قوانین اضطراری توسل می جویند، که استعمار بریتانیا به هنگام اشغال سیهن ما در سال ۱۹۴۸ (۱۳۲۷) وضع کرد.

همچنین باید در برابر نقشه های که حزب باصطلاح مخالف بگین، یعنی "حزب کارگر" به رهبری شیمون پریز، تدارک دیده است، هشار بود. بموجب این نقشه ها، اردن باختری و سوارعه به دوش بخش تقسیم خواهند شد. یک بخش به اسرائیل الحاق می یابد و در بخش دیگر، که اردن آن را تصاحب خواهد کرد، یک باصطلاح "فدراسیون اردن - فلسطین" به رهبری شاه حسین تاسیس خواهد گردید. بدین ترتیب، فلسطینی ها ارجح بنیانگذاری حکومتی مستقل محروم خواهند ماند.

جبهه" دمکراتیک برای آزادی فلسطین در سوم اسعد سال ۱۳۴۸، پس از انتخاب برخی اریساینگداران آن از "جنبش خلق برای آزادی فلسطین"، تاسیس نام. این جبهه، که دارای سمبگیری مارکسیستی است، ارجحه سازمانهای فلسطینی است، که برای مبارزه توده ای سیاسی در مناطق اشغالی و در ساختار معالیه های کونی اهمیت فراوان مائل است.

جبهه" دمکراتیک برای آزادی فلسطین، در "سازمان آزادی بخش فلسطین"، به رهبری یاسر عرفات، و در ارگان های رهبری آن: "کمه احراسی"، "تورای مرکزی" و "تورای ملی" عمویب دارد.

جبهه" دمکراتیک برای آزادی فلسطین، در چارچوب صواب "سازمان آزادی بخش فلسطین" به مبارزه سیاسی و نظامی برای پیشبرد حقوق قانوسی خلق فلسطین، ارجحه حق تعیین سرنوشت خویش و تشکیل یک کشور مستقل ملی، معمول است.

برنامه "جبهه" دمکراتیک برای آزادی فلسطین هدف اسرائیزیک اس-سازمان را اتحاد جامعه سوسیالیستی در جنبش کوری عیس می کند.

جبهه" دمکراتیک برای آزادی فلسطین با احزاب کمونیست منطقه حاور صباه و محافل عرب سوسیالیستی- دمکراتیک اسرائیل دارای مناسبات سردک و برادرانه است و در رسته سیاست خارجی برای دوسی خلق فلسطین با اتحاد حنا همسروردی و دیگر کشورهای سوسیالیستی اهمیت اسرائیزیک مائل است.

دسکرل جبهه" دمکراتیک برای آزادی فلسطین، باید، حواصه است، که اسرائیل اس-سازمان ناکون، سب نامبرده را مسمده دارد.

نابف حواصه بارها ناکند کرده است که برای رواروسی با اعراب دسبه های اسرائیلی در حاور سردک، لازست که بود میان "سازمان آزادی بخش فلسطین" و "جنبش ملی- مردمی لیبان" گسرتش باد و "جبهه" یاداری عرب" هرچه ستر حکم ببرد.

جبهه" دمکراتیک برای آزادی فلسطین سالیاست که با حزب بوده، ایران مناسبات دوسانه دارد. هیت ساندگی حزب ما در اسعد ماه گذشته، در مراسم یازدهمین سالگرد "جبهه" دمکراتیک" در سیروب و دسق شرکت جست و با استعمال پرور مردم فلسطین رورویود.

در ربر برخی از اظهارات اجبرابیت حواصه دسکرل جبهه" دمکراتیک برای آزادی فلسطین درباره، اهم مسائل جنبش مقاومت فلسطین از سطر حواصدگان می گذرد:

درباره "متی عمومی" "سازمان آزادی بخش فلسطین" "می دانند که ما ایک مرحله آزادی ملی (اجتلا فلسطین) را می گذرانیم. سته مرکزی سگار ما است که آوارگان فلسطینی به سررس های که از آنها رانده شده اند، بازگردند. در این رسته، باید خلق فلسطین این حق را ساید که درباره" سرنوشت خویش تصمیم گیرد. فلسطینی ها باید در راه این حق بپرزند که در سررس خود به سبانگذاری حکومتی مستقل دسترسند. لازست که طبقات و قشرهای گوناگون فلسطین در جبهه های متحد شکل ساید. باید مسائل و تضادهای مرعی را کنار گذاشت و لهه" سیر مبارزه را موجه امپریالیسم، بویزه امپریالیسم ایالات متحده، اسرائیل و سیاست سوسیالیستی- گسرتش طلانه، آن و ارجاع برخی از کشورهای عربی ساخت.

ما برای پیشبرد هدف های مشترک - برنامه" سیاسی "سازمان آزادی بخش فلسطین" - مبارزه میکنیم. ریزا که شکل "سازمان آزادی بخش فلسطین" کام برکی در راه سکیل جبهه های واحد، مرک از همه" نیروهای خلق فلسطین، بوده است. اس سازمان صباه اشغالی ملی

تمام قراردادهای اقتصادی و نظامی اسارتگر امپریالیستی باید لغو شود

واقعیت بر «سوء ظن» ناشی از تبلیغات امپریالیستی چیره خواهد شد

تبلیغات امپریالیستی طی چندین ده سال در متن جامعه ما بوجود آورده است، در جامعه ما باقیست. واقعیت این "سوء ظن موجود" آریزمه ساعدی است که اخبار جعلی، از نوعی که بر ستر مردم- بویزه طور کلی تبلیغات ضد شوروی در جهت ایجاد تیرگی در رابطه جمهوری اسلامی ایران و اتحاد شوروی، می نواند حتی در برخی محافل انقلابی راستین کشور ما اثر بگذارد.

در اینجا لازم است به این نکته مهم اشاره کنیم که هرچند است پس آن عناصری که عالمنا و عمادا تبلیغات ضد شوروی امپریالیستی را در کشور ما، به قصد ممانعت از گسرتش روابط دوسانه بین جمهوری اسلامی ایران و کشورهای دوست و حامیان صدیق آن، بویزه اتحاد شوروی، به قصد اجباری "خط برزیسکی"، برای ایجاد تیرگی روابط بین دو کشور، به قصد "تضعیف مواضع خارجی رژیم خصمی"، منتقل می کنند و در اتاعا می کوشند، با آن عناصر انقلابی راستین ضد امپریالیستی و استقلال طلب، که ناخواسته، به دلیل "سوء ظن" هنوز موجود، سکه قلب اخبار جعلی امپریالیستی - صهیونیستی ضد شوروی بر همچون سکه نقد سید بپردازند. اگر واقع بینانه چنین فروی مسمی را در سطر نگرییم، آنگاه در حل این "معما" دچار این سبت خواهیم شد که، چراهنوز اخبار جعلی و تبلیغات مسموم ضد شوروی امپریالیستی در ایران ما، که انقلاب ضد امپریالیستی (استقلال طلبانه) و خلقی (بمؤد مستضعفین) خود را به پروروی رسانده، به فقط "فروشنده"، بلکه "خریدار" دارد.

ولی واقفیات سربخت تزار دهنیات است، و می توان اطمینان داشت که بتدریج واقعیت دوستی اتحاد شوروی نسبت به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، سیدارهای ذهنی ناشی از "سوء ظن موجود" را بر طرف سارزد و به تمام طیف نیروهای راستین انقلابی ناست شود که اتحاد شوروی دوست، حلوما و همه حلقه های جهان است.

این واقعیت را حلقه های بسیاری از کشورهای رها از سطر اسارتگر امپریالیسم، ملی رفم تبلیغات زهر آگین امپریالیستی صهیونیستی، به تجربه، شناخته اند، از جمله کشورهای مسلمان نظیر الجزایر، سوریه، لیبی، یمن دمکراتیک و جنبش آزادی بخش فلسطین که با قدرت در برابر امپریالیسم ایستاده اند و به "جبهه یاداری" در برابر امپریالیسم و صهیونیسم سروروند.

در همه این کشورها، از جمله کشورهای مسلمان "جبهه یاداری"، به هنگام و در آغاز همسروردی انقلاب رهائی بخش و استقلال طلبانه، ابتدا "سوء ظن" ناشی از تبلیغات دراز مدت امپریالیستی نسبت به اتحاد شوروی "موجود" بوده است، ولی سبت به اتحاد شوروی و طی سیر در با امپریالیسم و صهیونیسم به تجربه در یافته اند که اتحاد شوروی، سیر منبای سیاست اصولی و تغییر ناپذیر خود، دوست و حامی صدیق و بی عرض آنها در مبارزه ضد امپریالیستی برای قطع هرگونه وابستگی و تاسیس استقلال کامل و واقعی آنهاست.

می توان اطمینان داشت که در کشور ما سیر، آن نیروهای راستین انقلابی که بدسرتی امپریالیسم، سیر کردگی امپریالیسم جنایتکار آمریکا، رادشمن اصلی و همیشگی انقلاب و استقلال واقعی جمهوری اسلامی ایران شناخته اند، به تجربه در خواهند یافت که اتحاد شوروی پشتیبان متعهد انقلاب و استقلال واقعی و کامل خلق و کشور ما و همه دیگر حلقه ها و کشورهای جهان است.

چند روز پیش، خبرگزاری ناس - خبرگزاری رسمی اتحاد شوروی، "خبری" را مبنی بر این که گویا کارستان شوروی در عملیات نظامی عراق شرکت دارند، دروغ محض اعلام کرد و آنرا به شدت تکذیب نمود. این "خبر" را - ناگفته پیدا است - دستگاه تبلیغاتی امپریالیستی اختراع کرده بود و متاسفانه پاره ای از رسانه های خبری ایران سیر آنرا نقل کرده بودند. چندی پیش سیر - چنان که می دانیم - "خبر" دیگری در دستگاه جعل اخبار تبلیغات امپریالیستی صهیونیستی ساخته و به وسعت پخش و به رنگ های مختلف اتاعا داده شد، مبنی بر این که گویا شوروی از خلیج عقبه در اردن، اسلحه به عراق می فرستد. این "خبر" سیر از سوی خبرگزاری ناس، و سوا به شدت تکذیب شد.

بخطا در اینم که ساریوی معروف به "سیریز - مکرینکو"، که متاسفانه به هدف اصابت درد و سحر به نسیم یادداشت اعتراضی از سوی وزارت خارجه به دولت شوروی شد، مبنی بر "دو پام ساحتگی بود: یکی جعل سدی با مهر جعلی، که در سیریز بوسله ساواکی ها پخش شد (بعدا تضیه فائر واقعا" شد) و دیگری جعل خبری توسط خبرگزاری فرانس پریس، که طبق آن گویا کاردار شوروی در مکرینکو سخاسی مداخله گرانه در امور داخلی ایران گفته است، که این خبر جعلی سیر از طرف ناس - خبرگزاری رسمی اتحاد شوروی - تکذیب شد.

چرا چنین اخباری از سوی دستگاه تبلیغاتی امپریالیستی - صهیونیستی جعل و پخش می شود؟ پاسخ روشن است، و این پاسح رادر دستور العمل رئیس جمهور آمریکا، که توسط برزیسکی به وزارت خارجه آمریکا ابلاغ سسده و متن آن در ۱۵ مرداد سال گذشته توسط رئیس جمهور اسلامی ایران فاش و در مطبوعات کشور ما درج شد، می توان یافت.

در این دستور العمل، که می بایستی مفاد آنرا وزارت خارجه آمریکا، وزارت جنگ آمریکا و سازمان "سیا" - سازمان مرکزی جاسوسی آمریکا، درهم آهنگی باید یکدیگر اجرا کنند، تصریح شده بود که، باید "سوء ظن" موجود بین جمهوری اسلامی ایران و همسایگان آن، بویزه اتحاد شوروی برادام زد، تا بتوان روابط آنها را تیره ساخت و به حمایت شوروی از جمهوری اسلامی پایان داد، ریزا پایان حمایت شوروی از "رژیم خصمی" باعث تضعیف مواضع خارجی جمهوری اسلامی ایران خواهد شد و آن را ضرر به پذیر خواهد ساخت.

بنابراین هدف از جعل "اخباری" که سبه سونه متخص رسا تکذیب شده آنها رادکسر کردیم، هدف سیاسی مشخصی است: پایان دادن به حمایت شوروی از جمهوری اسلامی ایران! باید اذعان کرد که "شیطان بزرگ"، که متنه انگیزی را خوب بلد است، می داند که همسایه بزرگ شمالی ما، نیرومندترین حامی انقلاب رهائی بخش و ضد امپریالیستی ایران است، می داند که، اگر بتواند جمهوری اسلامی ایران را از این حمایت محروم کند، کام برکی در راه دسترس به هدف خود - ایجاد شرایط سیرای درهم شکستن انقلاب و جمهوری اسلامی ایران - برداشته است.

و سیر باید اذعان کرد که: متاسفانه سیر آن "سوء ظن موجود" نسبت به اتحاد شوروی که



# اخبار کارگری

## کارگران کوره پزخانههای کرمان: ما به پیروزی بر آمریکا ایمان داریم

اطراف شهر کرمان را صدها کوره آجرپزی فراگرفته است و هزاران کارگر در شرایطی جهشی در آنها مشغول کار هستند.

در شمال شهر، در کنار کوره های تعطیل شده و متروک، کوره های نیز وجود دارند که مشغول کارند و همه روزه با زدم زهرآلود خود را بروی شهر می پاشند.

کوره آجرپزی ایرانمنش، که در میان خانم های مسکونی قرار گرفته، یکی از آنهاست. این کوره در حال حاضر حدود ۲۵ کارگر دارد و روزانه حدود ۲۵ هزار آجر تولید می کند. درجه بهره کشی با نرخ اضافه ارزش در اینجا حدود ۲۰۰ درصد است. یعنی کارفرما دو برابر مجموع دستمزد کارگرانش درآمد دارد. (هر هزار آجر ۲۲۰ تومان به فروش می رسد، در حالی که برای تولید آن مجموعاً کم تر از صد تومان به کارگران پرداخت می شود.)

کارگران خست زن، که الان تقریباً اصل کارشان تمام شده است، کسرتانی کاری می کنند و برای تولید هر هزار خشت ۷۰ تومان می گیرند. هر کارگر روزانه (از طلوع تا غروب آفتاب) حداکثر ۱۵۰۰ خشت می زند. کارگران دیگر روزانه مزد هستند و اکثراً حدود ۸۰-۷۰ تومان دستمزد دریافت می کنند.

پیرمردی که ۲۵ سال در کوره ها کار کرده، درازا یک روز کار ۸۰ تومان می گیرد و کار او با بردن ماشین است. به همکار دیگر او ۷۰ تومان دستمزد دارند. هر یک از این چهارس در هر ماه بین ۱۰۰۰ عدد آجر با می زنند و روزانه این عمل را ۸-۱۰ بار تکرار می کنند.

هیچ یک از مزایای قانونی به کارگران داده نمی شود. آنها حتی از داشتن یک جفت دستکش که برای آنها بسیار ضروری است محرومند و به این دلیل در حقیقت آنها کار راهبره شکنجه انجام می دهند.

بسیار جالب است که در این کوره خشت ها را با الاغ به کوره حمل می کنند.

در نزدیکی کوره ایرانمنش، ۲ کوره دیگر وجود دارد، که یکی را کوره طباطبایی و دیگری را کوره تقی زاده می گویند. در کوره تقی زاده حدود ۲۰ کارگر کاری می کنند، که ۷ تن از آنان به خشت زنی مشغولند. ۳ نفر آنها کوره سوره هستند و بقیه مشغول حمل خشت به کوره، خارج کردن آجر از کوره و بارزدن آن به ماشینها هستند. چند پاکتانی هم در این کوره کاری می کنند. بیشتر کارگران روزمزد روزانه ۸۰-۷۰ تومان مزد می گیرند.

پیرمردی ۶۰ ساله، درازای کار از طلوع تا غروب آفتاب درجه پنجم کوره ها، روزانه ۶۵ تومان می گیرد. او برای این که نشان دهد که سوخت کوره را چگونه در داخل آن می ریزد، در سوراخی را باز کرد و ناگهان دودی غلیظ از آن بیرون جهید. ولی این امر برای پیرمرد عادیست، زیرا او همیشه این دود غلیظ را به جای هوای تنفس می کند. در مورد مزایای قانونی از او می پرسیم. از جوابش معلوم شد که قانون را راهی به این جنگل جهنمی نیست.

پیرمرد سخت دلخور است که نمی تواند به جبهه جنگ با عراق برود و در جواب استدلال همکارش می گوید:

"بالاخره در جبهه به یک دردی می خورم و کاری پیدا میشود که من انجام دهم."

او به پیروزی بر عراق و آمریکا مطمئن است. همکار او (کارگر دیگر کوره سوره) که جواب حدود ۲۲-۲۰ ساله، ۸۵ تومان در روز دستمزد می گیرد و دفترچه بیمه هم دارد (او ار حدود کارگران کوره پزخانه است که دفترچه بیمه دارد) ولی از مزایای قانونی دیگر نظیر اضافه کار، دستمزد ایام تعطیل، مرخصی سالانه، حق مسکن حق اولاد، لباس کار و... بی نصیب است.

کارگران این کوره پزخانه ها در دمه های که در نزدیکی کوره ساخته شده است زندگی می کنند و حتی آب آشامیدنی را مجبورند از سامنی رباد به خانه بیاورند و شب و روز باید با زدم زهر آلود کوره ها را همراه گردو خاک که بر آن امروده می شود نفس می کشند.

## کارگران کوره های آجرپزی کاشان:

## ما هر چیزی را که در قانون به کارگران تعلق می گیرد، می خواهیم



هر روز از صبح تا غروب آفتاب کار می کنند!

در اطراف کاشان بیش از صد کوره آجرپزی، کویر خشک و سوزان راه جهنمی تبدیل کرده است. در این بیابان بجز کارگران از آفتاب سوخته و کوره های آجرپزی، هیچ چیز وجود ندارد. صدها کارگر در بدترین شرایط کار، در میان شعله های مفرط حرارت، با چهره ای ستم کشیده و ظنی ملامت از غم سالها ستم، هنوز هم در این دوران پس از انقلاب سرود غمگانه، رنج را می خوانند و مفرجون بختی مردم چنگش را بر بازوان این فرزندان رنج و کارفروت می برد. و برای کارمندان کوره پزخانه ها چه سرمایه ای بالاتر و ارزانتر از استثمار بازوان این زحمتکشان.

کارگران این کوره ها، که تقریباً نیمی از آنها افغانی هستند، بطور فطری کاری می کنند. بیست و هفتاد درصد آنها سالی چهار ماه با همکارند و بقیه کار دیگری مشغول می شوند و میتوان گفت از محرومترین کارگران بشمار می روند. این کارگران، که با خون دل مصالح ساختمانی را می سازند و با آن مصالح شهرها برپا می شود، خود را داشتن یک مسکن مناسب محروم اند. کار آجرپزی سخت و طاقت فرسا است، بخصوص گرمای سوزان و داغ تابستان کاشان کار را مشکلتر می کند.

این صاحبان اصلی کشور از داشتن هروغ وسیله رفاهی محروم اند. کارگران افغانی هم به علت مهاجرت، مجبورند در مقابل اربابان راضی باشند و در این میان اربابان، کارگران افغانی را استثمار می کنند و مرصت مناسبی ندارند تا کارگران ایرانی را بیشتر بدوشتند.

برای اطلاع از وضع کارگران، سری به کارخانه آجرپزی حاجی اکبر داد آبادی زدیم. این کارخانه با سیستم ماشینی نیمه اتوماتیک (تولید آجر حال) کاری می کند. آجرهای سفال (سورخ دار) بوسیله ماشین قالب بندی و سپس برای پخت بوسیله کارگران آجرکش به یک کوره مستطیل شکلی منتقل می شود. شش کارگر آجرچین و آجر بار در این کوره مشغول بکارند. کارگران آجرکش بوسیله چرخ دستی آجرها را به داخل کوره منتقل می کنند و توسط کارگر آجرچین در کوره جا داده می شود. این کوره نفت سوز است و سوخت آن از سقف کوره تامین می شود. بایکی از کارگران به گفتگو نشستیم. شکراله، کارگر آجرچین گفت:

"اهل قوچان هستم و چهل و یک سال دارم. بیست و دو سال در کوره پزخانه های تهران گنبد، مشهد و کاشان کار کرده ام. چهار سال است که به کاشان آمده ام."

از وضع خانواده شکراله جوابا ندیم. گفت: "زن و چهار فرزندم در قوچان زندگی می کنند. فرزند بزرگم محصل و بقیه (کوچکترها) در خانه هستند. هر دو سه ماهی یکبار به دیدنشان میروم."

شکراله اضافه کرد: "چه میشود کرد. وقتی کاری نیاید، مجبوریم به هر شهری برویم و غربت را تحمل کنیم."

از شکراله در مورد وضع حقوقی و کارش پرسیدیم. در پاسخ گفت:

"از صبح تا غروب آفتاب، یعنی چهارده ساعت کار می کنم و برای نهار کم تر از یک ساعت دست از کاری می کشم. برای هر هزار آجر سیصد و سی ریال مزد می گیرم. حتی ضایعات کار (آجرهای شکسته) جزو کارمان محسوب نمی شود. بجز این مزد، هیچ چیز دیگری ندارم، نه مسکن، نه بیمه، نه روزگانه، نه تعطیلی، نه مرخصی، نه بیمه، نه بهداشت، نه وسایل زندگی."

شکراله دستهای ترک خورده اش را که می لرزید، نشان داد و گفت:

"نه دستکش داریم و نه لباس کار. ما حتی برای تهیه غذا مجبوریم به شهر برویم و در مقابل همین وقتی که صرف خرید غذا از شهر می شود، از مزد محرومیم. در این بیابان بجز آتش و آجر و کوره هیچ چیزی پیدا نمی شود."

از وضع مسکن شکراله پرسیدیم. گفت: "کارفرما برای هر دوسه نفر کارگر یک اتاقک لخت و بدون هیچ وسیله ای روی سقف کوره ساخته است. در اینجا از بهداشت خبری نیست. ما مجبوریم همیشه با آب سرد خودمان را بشویم. اتاقکمان در تابستان داغ است و هیچ وسیله خنک کننده ای ندارد و در زمستان هم از شدت سرمای لرزیم."

از شکراله پرسیدیم خواست نوجیب. در پاسخ گفت:

"خدا عمر امام خمینی را زیاد کند که به داد ما برسد."

حسن، یکی از کارگران چرخش، حرفهای شکراله را تایید کرد و گفت:

"من مدت بیست سال است که در کوره پزخانه های گنبد و بابل و کاشان کاری می کنم. وضع من هم مانند شکراله است. از زندگی هیچ چیزی ندارم."



در این بیابان بجز کارگران آفتاب سوخته هیچ نیست!

در اس کارخانه آجر حال، تعداد سبب هر کارگر در فضاهای فالبسی، خرج کسی، آجر جیبی و آنتار کوره کاری می کند. ما یکی از کارگران آنتار کمکوشی دانسم. علی، کارگر آنتار سی و سی ساله، با سبب و دو سال ساعه کارگری، گفت:

"حدود نهمال است اینجا کاری کم و حالا با دوازده ساعت کار روزی صد و پنجاه تومان مزد می گیرم."

علی سبب کارگر سه کارخانه است. او پرسیدم: "حظرتو بواسطی سبب سبب می کشد؟"

"فلا در ترک "مک" در اصفهان کار می کردم و از سال ۱۳۵۰ بیمه هم. در سال گذشته برای بیمه شدن مجدد به اداره کار مراجعه کردم و با پیگیری توانستم به نتیجه برسم."

از او پرسیدم: چرا سبب کارگران سه سبب است؟

"اولا کارگرانی که بخواهند از مزایای بیمه استفاده کنند، کارفرما فوراً تصمیم به اخراج آنها می گیرد. ثانیا اداره کار بیمه برای بیمه کردن کارگران هیچ اقدامی به عمل نمی آورد."

از وضع خانواده اش پرسیدیم. گفت:

"خودم اهل آذربایجان هستم و خانواده ام در اصفهان زندگی می کنند. من با خانواده ام در مجموع پنج نفریم و در اصفهان یک خانه کوچک صد متری داریم که در هر سال یک بار به آنجا می رویم. ما اکنون ماهی چهار صد تومان است و از سال ۵۲ تاکنون ماهی چهار صد تومان قسط می دهیم. چون در اصفهان کاری پیدا نکردم، اجاره خانه کاشان آمدم."

او مازاه اتاقک خود برد. که مانند سائل اولیه زندگی بود. و گفت:

"این هم بهداشت ماست."

از او پرسیدم: خواستهایت چیست و چه بسپادی در مورد رفاه کارگران کوره پزخانه داری؟

ما هر چیزی را که در قانون به کارگران تعلق می گیرد، می خواهیم. مثل حق تعطیل جمعه و تعطیلات رسمی، مرخصی سالانه، حق اولاد، حق خواربار، اولین کاری که باید انجام شود، تعیین ساعات کار مشخص برای کوره پزخانه ها است. ما از صبح زود تا شب باید کار کنیم. هنوز انقلاب به اینجا رسیده است."

جنید، کارگر آنتار در کارخانه، که اهل مرند است، سردرد لیس دارد و گفت: "در مرند به اتفاق خانواده ام کشاورزی می کردیم، و چون بیگارسدیم، به کاشان آمدم. من باید در غربت کار کنم، مخرج خواهر و برادران کوچکم را تامین کنم."

هر چه می گویم، کاشان کوئین از هر مطلب است و سال هدهده است که در کاشان زندگی می کنم. چون در اصفهان کار پیدا نکردم، راه مرند را گزیدم. اکنون که انقلابی ترک در مسیر ما علیه بررگوس مارکس جهان، می امرالسم آمریکای حور امام حرمی دارد. به حق کارگران انتظار دارند که مسئولین به اذعان برسند.

### دهقانان عباس آباد مشهد: بایبل وداس به جنگ این صدام آمریکایی می‌رویم

روستای عباس‌آباد در شمال شرقی مشهد واقع است. فاصله این ده تا مشهد حدود ۳۲ کیلومتر است. که ۲۰ کیلومتر آن جاده آسفالته ۱۲ کیلومتر جاده خاکی است. این روستا دارای جمعیتی در حدود ۵۰ خانوار است که اکثر آنها را دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین تشکیل می‌دهند. هم‌اکنون که کشور عزیز ما مورد هجوم صدام امپریالیسم آمریکا - رژیم جلا و خیانتکار صدام حسین قرار گرفته است، روستائیان عباس‌آباد برای مبارزه با این متجاوزین اعلام آمادگی کرده‌اند، آنها می‌گویند:

"خیلی مایل هستیم آموزش نظامی ببینیم و در بیچ ثبت نام کنیم، ولی تاکنون از بیچ مستضعفین به این روستا نیامده‌اند. ما ۲۰ جوان در این روستا داریم که حاضرند با آمریکا و رژیم متجاوز و مزدور صدام حسین تا آخرین قطره خون خود بجنگند و در راه میهن و انقلاب خود شهید شوند. دهقانان عباس‌آباد برای آن که متت محکمی به امپریالیسم آمریکا و جنگ افروزان و ضد انقلاب داخلی زده‌مانند، و برای تولید محصول بیشتر، با جدیت زیاد زمین‌ها را به زیر کشت برده‌اند، آنها امسال ۱۵۰ هکتار آبی و ۳۰ هکتار سیم راگند کاشته‌اند. آنها به درستی می‌دانند که جهادشان هم در حبه جنگ است هم در کشتزار. روستائیان در ده مشغول آرد کردن گندم هستند. تا آرد و تعدادی گوسفند و دیگر کتک‌های خود را به سادک کرسی به مناطق جنگ رده. واقع در جهاد سازندگی سپید، تحویل دهد. یکی از روستائیان می‌گفت:

"اگر این دولت متجاوز برای اجرای خودنشینید همان بلایی را که بر سر رژیم شاه‌خائن آوردیم بر سر این مزدور هم خواهیم آورد و بایبل وداس به جنگ این صدام آمریکایی می‌رویم." صدام حسین، این دستیار امپریالیسم آمریکا باید بداند که موجب موجب خاک سپهر سر بر ما کورسان متجاوزان و مزدوران آمریکا خواهد شد. دهقانان و کارگران میهن ما آرد در بارو جلو هجوم محاسران صدامی را خواهد گرفت. جای آن دارد که هم‌اکنون سبب مستضعفین سپید مورد اعلای و احسان پاک روستائیان عباس‌آباد حوالت دهد و برای آموزش اسس دهقانان رحمتکش هر چه زودتر اقدام کند. و سر مسئولین متعهد با اقدامات سیاسی خود در جهت حل مسئله روسی، این سبک‌گرماع آرا را در اسفلال، جمهوری اسلامی را محکم کند تا محصول غسرتولید شود و همانند دست محکمی بوطمنهای آمریکا را درهم شکند. هم‌مورد ما هم همین جهاد کتوزری این است که کتوزری راغبوت کند و کت راز آباد کند، نادگر محتاج نباشیم.

### روستائیان مبارز کهریز - خواست‌ها و امکانات آنها

در ۳ کیلومتری جاده ارومیه - سلماس، روستای کهریز، که ۴۰ کیلومتر از ارومیه فاصله دارد، قرار گرفته است. در این روستا ۲۵۰ خانوار دهقانی، یعنی تقریباً ۲۵۰۰ نفر زندگی می‌کنند. در حالیکه در این روستا ۱۵ نفر پیشه‌ور و حدود ۱۰۰ خانوار در ده بی- زمین هستند، ۲۴ نفر، قسمت وسیعی از اراضی را در دست خود دارند.

دهقانان برای تولید بیشتر و تامین احتیاجات مردم به غلات و حبوبات و انواع میوه، به بند و کود احتیاج دارند. ولی هنگامی که برای تهیه بند و کود و مواد دفع آفات به شهر روی می‌آورند، واسطه‌ها و دلالان دست از گریبان آنها برنبردارند، لذا آنها مجبور می‌شوند که بند و کود را به قیمت‌های گزاف بخرند. بیلاره، برای بکنز بردن صحیح کود و دفع آفات نیز به آنها آموزش لازم داده نشده است و بعلت فقر و نبودن امکانات از ماشین‌آلات کشاورزی نیز بطور محدود استفاده می‌شود. دهقانان طلب می‌کنند که در موارد مذکور کمک‌های موفقی به آنها انجام گیرد، تا بتوانند محصولات ضروری را برای کشور انقلابی خود، که در معرض تهدید آمریکا قرار دارد، تولید کنند. زنان روستا ضمن تحمل بار سنگین خانه‌داری و پرورش بچه‌ها، به کارهای مختلف کشاورزی از قبیل: دامداری، وچین کردن و غیره اشتغال دارند.

دخترها بخصوص از تحصیل کردن محروم هستند. در ده فقط یک دبستان پنج کلاسه وجود دارد. در گذشته بعلت نبودن مدرسه راهنمایی، اکثر دانش-آموزان ترک تحصیل می‌کردند، اما امسال توسط جهاد سازندگی مدرسه راهنمایی ساخته شده است. در دبستان این روستا دوازده نفر معلم بایستی تدریس کنند. اما خبری از آنها نیست.

این روستا برق ندارد و نارساییهای بهداشتی موجب شیوع انواع مرضها می‌شود. اهالی این روستا در جریان مبارزه با رژیم منحوس پهلوی از خود فداکاریهایی قابل توجیه نشان داده‌اند. آنها در مقابل زاندارهایی که میخواهند اهالی را برای طرفداری از شاه ملعون به تظاهرات وادارند، شدیداً مقاومت می‌کنند. بیشتر اهالی با سن و سال

### دست جنایتکاران از جان روستائیان کوتاه!

زمینهای مزروعی روستای قاسم آباد آقا، واقع در ۶ فرسخی کرج به سمت قزوین، پیش از انقلاب اکثری متعلق به مالکی بود که کسی دوران انقلاب، به اتفاق سایر خوبشان خود به اسرائیل رفت. زمین‌های این شخص را هیئت هفت نفری، که از طرف دولت تعیین شده بود، در اختیار گرفت. در این روستا شورای ده توسط چند تن از اهالی زحمتکش و مومن به انقلاب تشکیل شده است و با نظارت هیئت هفت نفری در امر واگذاری زمین دخالت دارد. این انجمن مورد اعتماد و تأیید اهالی روستا است. برای مثال، شورا چندی قبل صندوقی جهت عمران دهکده ایجاد کرده بود که در مدت یک هفته روستائیان مبلغ ۲۵ هزار تومان به این صندوق وارز کردند.

در این میان عوامل بزرگ مالک فراری نیز بیکار نمانده‌اند. آنها به گونه‌های مختلف و با استفاده از شیوه‌های ارباب سعی در سد کردن اقدامات انقلابی دارند. این افراد بویژه از اقدامات شورای ده ناراضی هستند و به همین علت چندی پیش ما در آقای حسینی، یکی از فعالین شورای ده را شبانه در باغ انگور، با ضربات چوب به قتل رساندند. قاتلین، پس از ارتکاب به قتل، از طرف پاسداران کرج دستگیر شدند و به زندان قزل حمار انتقال یافتند.

متأسفانه تا زمان ارسال گزارش هنوز هیچ اقدامی از طرف مقامات مسئول برای محاکمه این چهار تن صورت نکرده است. عمال جنایتکار ارباب در ارگان‌های دولتی نفوذ دارند. مثلاً چندی قبل، به منظور ارباب اهالی روستا، فردی را از ناحیه سر مجروح کردند. ولی با وجود شاه‌هدین، پزشک قانونی کرج اینطور تشخیص داد که این فرد از موتورسیکلت زمین خورده است. روستائیان به نضت و زیربوری مراجعه کردند و نسبت به کار شکنی در محاکمه اعتراض نمودند.

یکی از اهالی روستا می‌گفت: "زندانی قزل حمار برای این چهار تن مثل خانه شخصی است. آنها در این زندان همنفوذ دارند و ممکن است که از زمین زندان آزاد شوند." روستائیان قاسم آباد آقا خواهان کوتاه کردن دست عوامل مستکبر در روستائیان هستند. یک دهقان پسر می‌گفت:

"درده ما هنوز مستکبرها هم زندگی می‌کنند. دولت باید دست این مستکبرین را از زندگی ما کوتاه کند." روستائیان این دهکده انتظار دارند که محاکمه این چهار تن بصورت انقلابی انجام گیرد و محاکمه انسان محاکمه. تمامی مستکبران روستائیان باشد و امر واگذاری زمین بدون کار شکنی و خارج از نفوذ این عوامل مسوومل ادامه یابد.

در شرایط نبرد رویا روی با عمال صدام حسین، که از حمایت فتووال‌ها برخوردار می‌شوند، انجام این محاکمه در واقع ضربتی خواهد بود به یک پایگاه امپریالیسم جنایتکار آمریکا ولشکریان تجا و زکا رمدام. انجام این محاکمه مف دهقانان را در پشت سر انقلاب و جمهوری اسلامی متحدتر و فشرده تر خواهد ساخت.

### تامین آب و دفع آفات نباتی، مهمترین خواست برنجکاران

کشتا و ریزی که محبت می‌کنی، می‌گوید: اگر فعلگی و کارگری می‌کردم، در این مدت درآمد بیشتر بود. حتی مزد خودمان هم در نیامده. کمبود آب، در-فعلی که نیاز به آن بود و سپس آفات کمردهقانان را شکست است. امسال در اغلب مزارع، بویژه در منطقه نامبرده، با زهم گرم ساقه خوار، میسند کشتا و ریزان را به پاس تبدیل کرد است. علاوه بر آن، به گفته کشتا و ریزان نوعی آفت بنام "پلاست" پیدا شد، که قبل از اینکه خوشه برنج بطور

کامل جان گرفته باشد ساقه آنرا سیاه میکند، در نتیجه خوشه پوچ و بی مغز و هستی گیاه از ریشه خشک میشود. کم آبی نیز امسال خسارات جبران ناپذیری به کشتا و ریزان وارد کرده است. در حال حاضر اغلب اهالی این روستا از آب چاه‌های سطحی که غیر بهداشتی است، استفاده می‌کنند. مزارع برنج دهقانان نیز از آب رودخانه که بسیار گرم آب شده بودند، تا مین میسندند. کشتا و ریزان تا بحال از دفتر امام و ریاست جمهوری و وزارت کشتا و ریزی جهت حل مشکلات خوبش، مخموما در مسئله، آب، استمداد کرده-اند. برای داشتن محصول کافی و

مقابله با معاصر اقتصاد که جزئی از توطئه آمریکا-ست، توجه بایستن خواستهای مهمیت فراوان دارد:

- ۱- حل مشکلات اساسی دهقانان
- ۲- دفع آفات نباتی و تهیه بومغ سموم و آموزش نحوه کاربرد آن به دهقانان
- ۳- واگذاری لوازم فنی و ماشین‌آلات کشتا و ریزی با قیمت مناسب به کشتا و ریزان
- ۴- ایجاد تعاونیهای تولید معرف و توزیع در سطح روستاها که، هم موجب بالارفتن تولید و استفاده از وسایل جدیدکار و هم باعث کوتاه شدن دست واسطه‌ها و دلالان میشود و هم خرید و فروش عادلانه محصولات و لوازم کشتا و ریزی را ممکن میسازد.

### روستائیان بزگدار علیا، منتظر ورود هیئت هفت نفری هستند

روستای بزگدار علیا از بخش در و مرغان و در شرق کرمانشاه قرار دارد. در این روستا حدود ۳۶-۴۰ خانوار (۲۱۲ نفر)، زندگی می‌کنند. که از این تعداد ۶ خانوار خوش‌نشین هستند. ماوران هیئت ۷ نفری نام ۳۲ نفر از این خوش‌نشینان را برای واگذاری زمین به آنان ثبت کرده‌اند.

کل زمین‌های این روستا ۳۲ جفت (هر جفت ۱۲ هکتار) است و مالک دهه ۸ هکتار زمین دارد. یک گروه ۶ خانواری، که قبلاً از زمین بیرون رانده شده بودند، شکایت کردند و در نتیجه در اشرف کوشش جهاد سازندگی آن منطقه، ۱۶ خسروار زمین به آنها اعلی گرفت. همچنین از طرف جهاد سازندگی ۲۴ خسروار زمین به یک خانواده چهار نفری که زمینهای آنها قبلاً توسط مالک غصب شده بود، رسید. جهاد سازندگی مقرر کرده است، تا آمدن هیئت ۷ نفری، روستائیان باید زمین‌های مالک را بطور مشاع کت کنند، که تصمیم عاقلان و بهنجایی است و موجب اتحاد دهقانان و به دست آوردن محصول بیشتری می‌شود. دهقانان با اتحاد و حق طلبی خود و با کمک نهادهای انقلابی توانستند مالک بزرگ ده را به مدت ۹ روز به زندان اندازند، زیرا خرابکاری و نفاق انگیزی می‌کرد.

در این روستا حمام، آب لوله‌کشی، برق و مسجد وجود ندارد. اگرچه سال گذشته ۷۷ هزار تومان توسط مقامات مسئول برای برق کشی در این روستا داده شده است. جاده خاکی این روستا ۳ کیلومتر طول دارد. که در زمستان هارفت و آسماز آن قطع می‌شود. این روستا یک مدرسه با یک معلم و ۳ دانش آموز دارد.

شورای ده با عمویت ۵ نفر (۳ نفر خوش‌نشین و ۲ نفر زارع) تشکیل شده است. همچنین ۲ نفر سایدگان کشاورزان برای معرفی به هیئت ۷ نفری تعیین شده‌اند.

اتحاد عمل و روشن بینی دهقانان ضامن موفقیت آنهاست. باید از دست‌های کار جمعی و تعاونی استفاده کرد و از هیئت ۷ نفری خواست که واحدهای مشاع ترتیب دهد. این کار و نامیسی آبی و حمام و برق و مسجد وسیله میهنی است. تا دهقانان نتوانند به وظیفه مهم خود در این شرایط حیاتی بوش امپریالیسم آمریکا عمل کنند و محصولات هر چه بیشتری را با کار تعاونی خود، بر روی زمین‌هایی که سملن به خود آنهاست، بدست آورند.

خساراتی که از کمبود آب زندگی شدیداً موقوع می‌شود بدنبال آفت زندگی به مزارع برنج وارد شده است بدون شک برای دهقانان سنگین است. برداشت امسال برنج با مشکلاتی روبرو شد، که همه از آن با خبرند، ولی مهم آینده است. بعلت اهمیت تامین مواد مغذی که برنج نیز از جمله آنهاست باید این مشکلات را حل کنیم، تا نه با زار عرضی کالی برنج مختل شود و نه آفت کشت آینده و زندگی دهقانان تاریک



رضانلی کارگر روستائی در روستای طبر (بخش جاجرود) در حال آماده کردن گل برای تعمیر بام یک خانه روستائی است. با آنکه رضانلی همراه پسر ۱۷ ساله‌اش، تمام سال کار می‌کنند، نمی‌توانند حداقل نیازهای خانواده را برآورده کنند. با حل مسائل زندگی این زحمتکش و ایجاد کارگاهها در روستاها، با استفاده از وسایل رشد و پیشرفت همهجانبه، به پیشرفت تولید زندگی روستائیان کمک کنید. در نبرد ما علیه امپریالیسم آمریکا و التذست اوصدام، تقویت پشت جبهه ضرورت حیاتی دارد.

# توده‌هایها آمادگی خود را برای جانبازی در راه میهن انقلابی

## اعلام میدارند

و بسیج مستضعفین، قبلا آمادگی خود را بر همکاری همهجانبه در برابر توطئه‌های ضدانقلاب داخلی و خارجی اعلام داشته بود. اینک ما اعضا و هواداران سازمان جوانان توده ایران - اراک با توجه به منی اصولی و خلل ناپذیر حزب توده ایران، باردیگر بر این مهم اصرار می‌ورزیم و آمادگی خود را برای دفاع از جمهوری اسلامی ایران اعلام میداریم و حاضریم تا پای جان دوش به دوش برادران پاسدار و ارتشی در جبهه‌یشت جبهه‌ها دشمن بمقابله برداریم.

## راسر

سازمان حزب توده ایران در راسرین ضمن ارسال نامه‌ای به ارگان‌های انقلاب، آمادگی تودمیا را برای جانبازی در راه دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران اعلام داشته در این نامه ضمن بر شاردن کمک‌های مالی و جنسی که توسط اعضا و هواداران حزب توده ایران در راسر جمع‌آوری و برای ارسال به جبهه در اختیار نهد. های انقلابی گذاشته شده، آمده است:

در لحظات حساسی که بین ما و انقلاب بزرگ ما برهبری امام خمینی از سر بیگرفته کنگ و شاکت فرد فرد ما برای غلبه بر تجاوز نظامی دارودسته صدام حسین و غنیم گناشتن توطئه آمریکا ضرورت و اهمیت دارد. دهها هزار تن از ایرانیان انقلابی و میهن‌دوست و از جمله تودمیا در جبهه‌های نبرد سراسر ایران و حماسه، در سنگر- های مقاومت و ایثار، مستقیما در جنگ رویاری با دشمن تجاوز و حامیان او - امپریالیسم آمریکا شرکت دارند، خون می‌دهند، و جان می‌سپارند تا از میهن انقلابی خود دفاع کنند.

ما اعضا و هواداران حزب توده ایران در راسر هواره آمادگی خود را برای تعلیم خون رزمی و ایثار به جبهه‌های جنگ به مسئولان اطلاع دادیم و هر آن منتظر جواب مسئولین هستیم تا بتوانیم در این جنگ هاولانه و میهنی، سهم بسزای خویش را به مردم، میهن و انقلاب شکیبند شد. امپریالیستی و خلقی و مولود آن جمهوری اسلامی ایران انا ناییم.

## اراک

سازمان جوانان توده ایران در اراک نیز با انتشار اعلامیه‌ای، ضمن اشاره به توطئه‌های براندازی امپریالیسم آمریکا از یکسو و نشنات عوامل نهنان و آشکار امپریالیسم آمریکا در داخل ایران از سوی دیگر، آمادگی خود را برای دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و درهم کوفتن تجاوز رژیم صدام حسین - آمریکا به خاک ایران اعلام کرده‌است.

در این اعلامیه آمده است: "باتجاوز نظامی رژیم مزدور یعنی عراق به ایران، که در چهارچوب توطئه براندازی امپریالیسم آمریکا انجام می‌گیرد، خلق قهرمان ایران امروز بایگی از لحظه‌های سرنوشت‌ساز تاریخ خود روبرو است. مانه‌تها در قبال آینه‌ده میهنان، بلکه همچنین در برابر تاریخ خلقهای منطقه مسئولیت‌بزرگی بعهده داریم. اگر خلق قهرمان مادرین لحظه تاریخی از نبرد خونین با امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و متحدان و دستیاران و دست‌نشانندگانش پیروز درآید، که بی‌تردید پیروز درخواهد آمد، برگ زرینی در تاریخ مبارزات آزادی‌بخش خلقهای اسرخاور نوشته است. پیروزی در این نبرد مستلزم صداکاری است، اما صداکاری هنگامی به پیروزی می‌انجامد که از جنبه فردی بیرون آید و شکل تودمیا و همگانی به خود بگیرد."

اعلامیه‌س یادآور شده است:

"در داخل لبرالها همزه با عوامل ضدانقلاب از یکسو، چپ‌نمایان و سرسپردگان به سرویس‌های جاسوسی امپریالیسم از سوی دیگر و در خارج تمام دنیای سرمایه و زر و زور به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، باهم بر ضد انقلاب ایران همدستان شده‌اند. متارنگته امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، بر ما از هر سو افزایش می‌یابد. تجاوز نظامی همگانی رژیم یعنی عراق به ایران مرحله جدیدی از توطئه براندازی است."

در خاتمه اعلامیه آمده است:

"سازمان حزب توده ایران - اراک طی نامه‌ی ارسال به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

رژیم جنایتکار صدام حسین، آمادگی خود را برای شرکت در صحنه نبرد و مقابله با متجاوزین صدامی اعلام کرده‌اند. در این اعلامیه از جمله آمده است:

"هواداران حزب توده ایران در ضمن حاضرند در صحنه نبرد با متجاوزین یعنی - آمریکائی، درکنار پاسداران، درجه‌داران، سربازان و افسران غیور و تحت رهبری امام خمینی، با تمام وجود خود از جمهوری اسلامی ایران دفاع کنند."

## همدان

سازمان حزب توده ایران در همدان با انتشار نامه سرگشاده‌ای خطاب به "ستاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در همدان"، آمادگی خود را برای شرکت در نبرد میهنی علیه تجاوز رژیم صدام حسین اعلام کرده است. در این نامه از جمله آمده است:

"اینک که میهن انقلابی و عزیز و پرافتخار ما مورد تجاوز و توطئه همهجانبه امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم جنایتکار آمریکا قرار گرفته، و رژیم مزدور و نیهکار یعنی عراق وظیفه سرکوب انقلاب و عاملیت براندازی جمهوری اسلامی ایران را بعهده گرفته است،

سازمان حزب توده ایران در همدان، به نوبه خود، بر اساس رهنمودهای مشخص کمیته مرکزی حزب، سندرج در اعلامیه مورخ ۵۹/۶/۲۱، با تمام نیرو و امکانات، آمادگی خود را برای دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در برابر تجاوز نظامی رژیم مزدور یعنی عراق و توطئه براندازی آمریکا، به آن نهاد گرانقدر انقلابی، که از بنیان انقلاب جوشیده و نقش عمده و اساسی در حفظ و تعمیق دستاوردهای انقلاب ایفا کرده و می‌کند،

اعلام می‌دارد، تا هرگونه ماموریتی را که فرمانده سپاه معین می‌دارد، اعم از همکاری در دفاع شهری، شناسائی عوامل ضدانقلاب، شرکت در ارتش بسیج، نگاهبانی از موسسات حیاتی شهر، امداد و کمک‌رسانی پزشکی و جز اینها انجام دهند."

بدنبال فراخوان کمیته مرکزی حزب توده ایران برای شرکت گسترده اعضا و هواداران حزب توده ایران در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در مقابل تجاوز رژیم صدام حسین - امپریالیسم آمریکا، سازمانهای حزب توده ایران آمادگی خود را برای شرکت در این جنگ میهنی اعلام کردند. علاوه بر آن دسته از سازمانهای حزبی که در نقاط مختلف کشور نیروهای خود را در اختیار سپاه‌های انقلابی گذاشته‌اند و اخبار آن در شماره‌های گذشته "نامه مردم" به اطلاع رسید، چند سازمان دیگر حزبی آمادگی خود را اعلام کرده‌اند. اخبار این سازمانها را، که قبل از تعطیل موقت "نامه مردم" بدست ما رسیده‌است، در زیر می‌خوانید:

## بوازجان

سازمان حزب توده ایران در بوازجان طی نامه‌ای به مسئولان بسیج مستضعفان این شهر، آمادگی خود را برای شرکت در دفاع از انقلاب و دستاوردهای آن در مقابل تجاوزات رژیم صدام حسین اعلام کرده است. در این نامه آمده است:

"در شرایطی که دست امپریالیسم آمریکا از آستین صدام حسین جانی درآمده و کشور ما مورد هجوم نظامی قرار داده، ما هواداران حزب توده ایران در بوازجان به پیروی از منی اصولی حزب خود، که عبارتست از دفاع از جمهوری اسلامی برهبری امام خمینی آمادگی خود را برای دفاع از تمامیت ارضی ایران انقلابی را اعلام می‌کنیم و بدینوسیله به آگاهی می‌رسانیم که حاضریم در هر نقطه‌ای که مسئولان لازم بدانند، نایای جان اروطن و جمهوری اسلامی ایران دفاع کنیم."

## خمین

هواداران حزب توده ایران در شهرستان خمین با انتشار اعلامیه‌ای ضمن اشاره به توطئه‌های امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، علیه انقلاب ایران و تجاوز

# وعده‌های کارتر و واقعیت

کارتر در جریان مبارزه انتخاباتی چهار سال پیش چه قول‌هایی که به مردم آمریکا نداد؟ به ادعای جمهوری خواهان "شماره این قول‌ها بیش از ۲۰۰ بود. ما در زیر تنها چند نمونه این "قول‌ها" را می‌آوریم و آن‌ها را با واقعیت‌های روزی ایالات متحده مقایسه می‌کنیم: قول کارتر: اگر به ریاست جمهوری انتخاب شوم... در عرض چهار سال بیکاری بزرگسالان را به ۳ درصد تقلیل (خواهم داد)... واقعیت: در حالیکه چهار سال پیش ۷ میلیون نفر در آمریکا بیکار بودند، بموجب آمار سندیکایی، امروزه بیش از ۱۲ میلیون آمریکایی در جستجوی کارند. قول کارتر: بدون آنکه تورم پدید آید، تولید و اشتغال را افزایش (خواهم داد)... واقعیت: چهار سال پیش نرخ تورم ۵/۸ درصد بود، اینک ۱۸ درصد است... کارتر: ... کسانیکه درآمد بیشتری دارند، مالیات گزاف خواهند

پرداخت... واقعیت: در سال ۱۳۵۵، زمینکشان با مالیات خود ۵۶ درصد خزانه فدرال را تامین می‌کردند، در بودجه سال جاری ۵۵ درصد آن را... کارتر: ... دوران سمی ترازی دیگری بر مدهاست... واقعیت: اینک ۳۰ درصد سپاه بی‌هوسان بی-کارند. این رقم در پنج سال گذشته رکورد به‌شمار می‌رود... سیاست خارجی بر پایه قدرت نظامی و بافتار اقتصادی و سیاسی استوار خواهد بود... واقعیت: تقریبا همه مذاکرات در باره خلق سلاح قطع شده است. "سالت ۲" هنوز به تصویب نرسیده است. حضور نظامی آمریکا در سراسر جهان، از جمله در خلیج فارس، افزایش بی نظیر یافته‌است. در سال‌های گذشته، تنها در اروپای مرکزی ۶۰ هزار نفر به سربازان آمریکایی افزایش یافت.

## این قافله را سر بازار ایستادن نیست...

تا لرزش دستان دژ خیمه را ببینم  
نه، این قافله را سر بازار ایستادن نیست...  
\*  
"خون شیرازی"  
بر چه چهره شکتجه کسر  
"تورج"؟  
در خیابان اعدام شد  
نه، این قافله را سر بازار ایستادن نیست...  
\*  
بر چه بر خاک نمی افتد همیشه شهیدی هست  
تا بر خون و فریا دغوش آن را برافرازد...  
نه، این قافله را سر بازار ایستادن نیست...  
\*  
در سنگرهای خرمشهر عسکر فریاد می زند:  
- به پیش!  
در سنگرهای آبادان تقی به خون خویش می غلتد  
در سنگرهای وطن توده‌ای‌ها فریاد می زنند:  
- به پیش!  
نه، این قافله را سر بازار ایستادن نیست...  
\*  
"وارطان" فریاد می زند:  
- نه  
"روزبه" می خروشد:  
- ای دیوان  
"وزیربان" است این:  
- چشم‌ها هم را نبندید

اینک که بر کاغذ تاریخ قافله را مرور می‌کنی... هم اینک، آری سر بردار گوش کن!  
در سنگرها کسان بی خاک می افتند  
قافله در راه است... گوش کن! گوش کن! فریادها در خون و باروت طغیان می‌کند  
و در جا رسوی جهان منفجر میشود:  
- مرگ بر آمریکا!  
نگاه کن!  
- جهان زیر پای سرمایه می‌لرزد...  
\*  
دیروز صفر و حمید امروز تقی...  
فردا ما...  
ما برهروان قافله‌ای خونین که با خویش شقایق و آزادی به قله تاریخ میبرد  
\*  
نه، نه، ای رفیق!  
ای همسنگر...  
نه، این قافله را سر بازار ایستادن نیست...

بقیه از صفحه ۱

کشته و خون دادن ندارند. اما وقتی انسان بدنیال یک آرمان مقدس حرکت می کند، ایستادگی به او تلاش و فداکاری را دستور میدهد پس باید فداکاری کند و پایباز جان خود هم بگذرد.

حجت الاسلام خامنه ای افزود: من از تهل خدا را شکر کردم که در اهواز و در جبهه خوزستان دور از غوغای سیاست، بآزادان راحت طلب و فرصت طلب، مشغول کار دیگری بودم و نبودم و انشالله هر چه زودتر باز پس از اقامه نماز و انجام کارهایی که دارم خواهم رفت تا این جوراً و این فضا را استنشاق نکنم.

امام جبهه تهران افزود: «آنهايي که منتظر بودند جمهوری اسلامی مثل شما همی خاموشی و ازین برود، خودشان خاموش می شوند و الری از آنها باقی نماند»

حجت الاسلام خامنه ای گفت: شاه نگویند بخت اردن می گوید اگر صدام برود، ما هم رفته ایم، راست هم می گویند.

وی افزود: «برادران و خواهران عزیز من توصیه من به شما، پس از این آیه قرآن، فقط یک جمله بیش نیست و آن جمله این است: سمي کيد، اتحاد و اتفاق اتلاف خود را حفظ کيد... سمي کيد دچر دو دستگی نشويد، نگذاريد جريان اختلاف افکن وارد قترهای مردم شود. بگذاريد سياست باز- های کهنه کار این کسانی که همه هم و غششان همین مسائل برارزش است هر کار بخواهند بکنند، هرچی می خواهند بنویسند، شما ای ملت بزرگوار ای ملت موصوم ای فداکاران صادق شما پاتنان را از این اختلافات کنار بکشيد، نگذاريد شما را آلوده کنند. ديروز که من وارد تهران شدم، چند نفر از برادران در جالی جمع بودند از آنچه در روزنامه ها شدت ناراحت و نگران بودند. من از هیچ جا خبر نداشتم، شرح دادند چه روزنامه های، چه مسائل را مطرح کرده اند و ذهن مردم را متوش کردند... قدر بدانيد بر کار بودن از بازیهای سیاسی را، نگذاريد، این بازیهای سیاسی را توی بازار، توی قترهای مختلف، توی کارخانجات، توی طبقات

شیطان بزرگ امریکا...

محصل، مخصوصاً توی دبستانها و دبیرستانها وارد کنند. حجت الاسلام خامنه ای در قسمت دیگری از خطبه نماز جمعه دیروز گفت: «امروز از بزرگترین گناهها احتکار است. مسواد مصرفی مردم ام از مواد غذایی و غیر غذایی را احتکار کردن، بیش از اندازه جمع کردن به منای از دهان دیگران گرفتن و به گلوی خود ریختن است. دولت در مقابل احتکار باید با قطعیت عمل کند. وی افزود: «در این وقت و هفته قبل شایعاتی وجود داشت مبنی بر اینکه روحانیون در کارهای جنگ دخالت می کنند. من صریحاً می گویم این مطلب دروغ است. در حد نظر دادن که هر انسانی نظر میدهد امروز دیگر دوران گذشته نیست که به مردم بگویم خفته شد، اظهار نظر نکنید. یک سرباز می آید در مقابل فرماندهانش اظهار نظر می کند. یک پاسدار ساده عادی می آید نقشه جنگی و طرح جنگی ارائه می دهد. یک افسر جزء راهنمایی می کند که بسیار ذیقیمت است. مردم کوچک و بزرگ هم تا آنجا که اطلاعات و یک روحانی که بار مسئولیت دارند، حق دارند اظهار نظر کنند. سنگین هدایت و ارشاد مردم بر دوش اوست و درد دلها را می شنود و گزارشها را می بیند چرا نتواند اظهار نظر بکند؟ اظهار نظر می کند. اما دخالت بیجا و بیجه. امروز حتی شورای عالی دفاع هم نسبت به ارتش فرماندهی نمی کند. این را بدانند مردم ایران. شورای عالی دفاع طراحی می کند، طرح می دهد ارائه طریق می کند، فرمانده شورای عالی دفاع نیست. نظامی هم فرماندهی فرماندهان خود را می پذیرد حق هم با اوست. باید همینجور عمل بکند. حتی من خودم یا اینکه از آغاز جنگ تقریباً الان بیش از یکماه و نیم است در جبهه هستم با برادران نظامی با فرماندهان با طبقات پایین تر با پاسداران یا داوطلبان دانشا در تماس هستم هرگز فرمان نظامی به احدی ندادم. با اینکه مشاور امام و عضو شورای عالی دفاع به نصب امام

هستم. آنهايي که این شایعات را می پراکنند، می خواهند بین قترهای مردم اختلاف بیندازند. می خواهند وانمود کنند که روحانیت در امور فرماندهان نظامی، مسئولان دخالت می کند. در حالیکه چنین چیزی نیست. تا آنجا که من دیدم و من اطلاع دارم و اگر مواردی در قترهای پایین تر دیده بشود که روحانیونی دخالتهایی می کنند خود ما زودتر از هر کس دیگری و موثرتر از هر کس دیگری آنها را باز می داریم. توطئه های علیه روحانیت از پیش از انقلاب بوده. بهتر بگویم از زمان رضاخان قلندر توطئه علیه روحانیت بوده. در زمان فرزند بدبخت منوروش این توطئه تکرار شد. وقتی انقلاب ما بوجود آمد، این توطئه در سطح جهانی گسترش پیدا کرد. از بعد از پیروزی انقلاب هم تا امروز مرتب توطئه گران، توطئه علیه روحانیت را متقیب کردند.

در بین روحانیت فکرها، سلیقه های گوناگونی وجود دارد. اما آنها که می گویند، روحانیت را می گویند که به سلیقه ها و فکر- های مختلف ندارند. یک روحانی مخالف تقسیم اراضی است یک روحانی طرح تقسیم اراضی است، آن که می گوید هر دو را می گوید. یک روحانی موافق با انتشار هزارها روزنامه در مملکت است، یک روحانی مثل بقیه مردم معتقد است که باید تعداد روزها را کم کرد. اما من مخالف است هر دو را می گوید. یک روحانی از لحاظ سیاسی با آن شخصیت موافق است روحانی دیگر بمکس یا آن شخصیت مخالف است یا آن شخصیت موافق است. آنهايي که روحانیت را می گویند هر دو را می گویند. از این نتیجه می گیریم که یک دستی یک جریانی عمیقاً سوسی می کند روحانیت را بگوید، برایش فرقی نمی کند یا چه جیتی، علتش هم معلوم است. علت اینست که رابطه بین روحانیت و مردم یک رابطه طبیعی است. یک رابطه قراردادی نیست. این اجتماعاتی

که امروز در مقابل ملت مال امروز نیست. من خودم سالهای سالست که با اجتماعات طبیعی مثل اجتماع شما روبرو هستم. قبل از پیروزی انقلاب در دوران شدت اختناق هر جا ماها بودیم اجتماع مردم بود. حجت الاسلام خامنه ای افزود: «مردم در خانه روحانیونی که مسئولند... برود و با آنها تماس می گیرند این رابطه بین مردم و روحانیت است، دشمن از این ناراحت است آن که دلتی می خواهد این انقلاب روی دوش مردم باشد، آن که دلتی می خواهد دست و پستی مردم لفظول، که مردم را فصول می دانند، از میدان سیاست میدان انداره این انقلاب جمع بشود، آن که دلتی می خواهد مردم فقط اطاعت کنند باشند، امروز که رویش می شود این حرف را بزین امروز که هیچکس جرئت نمی کند یا مردم این چنین حرف بزنند و صحبت کنند، امروز مردم همه در میدانند، در صحنه اند اما از این راه وارد می شود. روحانیت را از صحنه کنار بزنند. بگویند و بگویند و بگویند تا ۴ تا روحانی که به دستور امام و به نصب امام - هر کدام از ماها، از این روحانیون یک مسئولیتی داریم خوشبختانه به دستور و به نصب خود امام است، یعنی غالباً اینجور است - همین چند نفر روحانی که مسئولیت به نصب امام دارند، اینها خسته بشوند، ناراحت بشوند، قهر بکنند و بروند کنار، میدان خالی شود ما از میدان کنار رفتن را مایه راحتی خودمان می دانیم. اما من در ۲-۳ ماه قبل خدمت امام عرض کردم، ما این را فرار از ضعف می دانیم. فرار از ضعف یعنی پشت کردن به میدان مبارزه و جهاد و این از گناهان کبیره است. برای مسئولیت، برای ادای تکلیف برای حفظ فرمان امام، برای اینکه بتوانیم حتی اقامه کنیم و باطلی را احاطه کنیم. اما آنهايي که می گویند، فقط روحانیون مسئول را نمی گویند، حتی روحانیونی که مشغول کار ارشاد، تبلیغ و هدایتند حتی آنها را، حتی به آنها ایضا می کنند. این یک جریانی است، مردم هوشیار باشند»

انجلا دیویس:

آمریکا تلاش می کند توجه عمومی را از مسائل سر نوشت ساز جهان منحرف کند

انجلا دیویس مبارز برجسته سیاست آمریکا و عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست این کشور، تلاشهای دول غربی را برای خرابکاری در کنفرانس همکاری و امنیت اروپا در مادرید، محکوم کرد. انجلا دیویس گفت آمریکا تلاش دارد توجه عمومی را از مسائل مهم، مانند گسترش روند تنش زدایی، خلع سلاح و جلوگیری از سایقه تسلطی منحرف کند. وی یادآور شد اینها مسائلی است که به سر نوشت همه بشریت مربوط می شوند.

مدافعان انقلاب...

بقیه از صفحه ۱

حدائق ۲۵ درصد از خودرها، فانکبا و تاسیسات پادگان یاد شده.

۳- نابود کردن ۲۰ درصد از تاسیسات و تجهیزات پادگان حلبچه در شمال شرقی عراق.

۴- منهدم کردن تاسیسات رادار پلاک و یک ابار مهمات، سه پاسگاه و یک پل نظامی در جنوب غربی صواد در شرق سلیمانیه.

۵- انهدام چند دستگاه تانک و دو کامیون در شرق سلیمانیه.

۶- انهدام چند سنگر، دو دستگاه کامیون و یک قطارک در شمال الجلیا در اطراف صفایه.

۷- حمله به تاسیسات نفتی فار و اسکله فار در جنوب شرقی عراق.

۸- حمله به بندر القصر و بندر بشاری و پایگاه دریایی دشمن در جنوب شرقی عراق و یک هکل مخابراتی در حسان منطقه، که میزان آسیب وارده ۳۰ درصد بوده است.

۹- نابود کردن ۲۰ دستگاه کامیون و تریلی با حداقل ۴۰ نفر از سرنشینان آنها در اطراف صفایه در شرق عراق.

۱۰- انهدام دو دستگاه رادار متحرک، یک قطار حامل سوخت و یک دستگاه مانع گز در جنوب بصره.

۱۱- انهدام صد درصد ۱۲ دستگاه تانکر بنزین در گمرک صفوان در جنوب بصره.

۱۲- حمله به تاسیسات نفتی گمرک صفوان و کالاهای شیمیایی موجود در این گمرک.

ضمناً در ساعت ۱۹:۳۰ چهار- شنبه شب، یک فروند هواپیمای میگ متجاوز عراقی، توسط پدافند نیروی ارتش جمهوری اسلامی ایران مستقر در بوشهر، مورد هدف واقع و سرنشکون شد.

در عملیات درون مرزی، حمله به نیروهای تعدادگتی دشمن در شمال بستان و وارد کردن خسارتی به میزان ۲۰ درصد و حمله به نیروهای زرهی و توپخانه متجاوزان یعنی، در محور جنوب شرقی آبادان جزو عملیات است. دفتر مرکزی خبر نیز به نقل از یک مقام مسئول در ستاد عملیات آبادان، گزارش داد که نیرو- های رزمندة جمهوری اسلامی ایران از بعد از ظهر چهارشنبه تا ظهر پنجشنبه، با آتش توپخانه خودمواضع و سنگرهای متجاوزین را در جبهه آبادان درهم کوبیدند، بنا به همین گزارش، مدافعان قهرمان جمهوری اسلامی ایران موفق شدند در انجام یک عملیات هبانتک و قهرمانانه، دشمن

ادامه پاکسازی نخلستانها شمال رودخانه بهمنشیر، دشمن را چند کیلومتر به عقب نشینی وادار کنند. طبق همین گزارش پملت تلفات بسیار نیروهای دشمن، آمار دقیقی از آنها وجود ندارد. همچنین بر پایه اخبار اعلام شده توسط صدای جمهوری اسلامی ایران رزمندگان انقلاب ایران چهارشنبه شب، مواضع دشمن را در محور جاده آبادان- ماهشیر هدف آتش خود قرار دادند و تلفاتی به دشمن وارد کردند. از خاک عراق در آسوی اروند رود نیز دشمن با توپخانه دوزن مناطق مسکونی آبادان را بشدت زیر آتش قرار داد.

خبرنگار خبرگزاری پارس به نقل از سخنگوی امدادگساران آبادان شمار شهدای (چهارشنبه شب) این شهر را ۱۲ تن و شمار مجروحان را ۲۱ نفر گزارش کرده است. از سوی دیگر گزارش رسیده حاکیست که مواضع دشمن در اولین شهر نیز از (چهارشنبه تا ظهر پنجشنبه) زیر آتش شدید توپخانه قرار دارد.

طبق گزارشهای دفتر مرکزی خبر و خبرگزاری پارس، به نقل از استاندار ایلام، چهارشنبه، مبارزان دهنابرواروش جمهوری اسلامی ایران، در یک نبرد شجاعانه، ۴۵ نفر از مزدوران تپ کوهستانی دشمن را در جنوب غربی چنگله در جبهه مهران به هلاکت رسانند و تجهیزات آنها را کاملاً نابود کردند.

خبرنگار خبرگزاری پارس به نقل از روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کرمانشاه گزارش داد که روز چهارشنبه در نبردی که میان نیروهای انقلاب و مزدوران دشمن در منطقه ریجاب، واقع شد ۸۵ نفر از مهاجمین کشته و ۴ نفر دیگر مجروح شدند. در این جنگ همچنین یک آشیانه توب و یک تانکر حامل سوخت دشمن، منهدم شد.

طبق همین گزارش و در نبرد دیگری که میان پاسداران انقلاب اسلامی و فدائیان امام خمینی از یکسو و مهاجمین بعث از سوی دیگر در منطقه ریجاب روی داده، دشمن مجبور به عقب نشینی شد. خبرگزاری پارس از کرمانشاه نیز گزارش میدهد که دلاوران بسیج مشایری اسلام آباد که در جبهه گیلان غرب مستقرند، در یک عملیات که با هبانتک سپاه پاسداران در این جبهه انجام شد، پس از به هلاکت رساندن چند نفر از دشمنان انقلاب، یک دستگاه جیب، قیضه اسلحه کلاشینکوف و همچنین بیسیم مخابراتی آنها را به غنیمت گرفتند.

مناطق مسکونی، مدارس و بیمارستانها را ویران می سازند و مردم غیر نظامی، زنان و کودکان و پیران را هدف اصلی گلوله- های خود قرار میدهند.

اکتون، در فضای ایران، ظنین خروشان و خشمگین مسادران، پدران، هسران و کسودگان جاریست، که بستگانشان قربانی جنایات صدام شده اند.

ولی جنایات صدام هر قدر ادامه یابد و دامنه آن هر قدر وسیعتر باشد، رژیم صدام بیشتر و بیشتر در منجلاب جنایت فرو خواهد رفت.

راهی که صدام می رود، راه همه جباران و جلاوران تاریخ است. راهی که صدام می رود، به گورستان است. سرانجام خلقهای ایران و عراق درهم گره خواهد خورد و صدام و رژیم منوروش به همان جا خواهند رفت، که رژیم پهلوی رفت!

کردن زندانها از آنها، قتل آغاز کار بود. بدنیال آنها - چنانکه تجربه تاریخ بارها و بارها نشان داده است - نوبت به دیگر نیرو- های مترقی رسید. رژیم صدام حتی ۲۲ نفر از اعضای رهبری حزب بعث را، که با جنایات صدام مخالف بودند و نمی خواستند وطنشان به مراده امپریالیسم بسته شود، به جوخه اعدام سپرد. این جنایات، همزمان با یورش و سرکوب توده های خلق، بویژه شیعیان و کردها بود.

پیروزی انقلاب در ایران، خیزشی که پیروزی انقلاب زیر پرچم اسلام انقلابی در کشور هسایه، در خلقهای عراق بوجود آورده بود، صدام را از سرنشکونی بیاط حکومتش، که بر خون خلقهای عراق شناور است، به هراس انداخت.

چنانکه شیوه همه جباران تاریخ است، صدام به تکاپو افتاد

راه صدام...

بقیه از صفحه ۱

راهی که رژیم جنایتکار صدام در پیش روی دارد، همان راهی است که همه رژیمهای جنایتکار تاریخ پیوده اند.

تاریخ جنایات رژیم صدام از وقتی آغاز شد که او و دار و دستهایش به خلقهای قهرمان عراق پشت کردند، جبهه متحدی راه که عراق را در راه استقلال، آزادی و پیشرفت رهبری می- کرد، درهم شکستند و چنانکه رسم جلاوران دوران سرمایه داری امپریالیستی است، بیشتر از همه کمونیستها را به جوخه اعدام سپردند. خون یک دهها کمونیست عراقی، که جان خویش را فدای آرمان خلق خویش کردند، اولین ورق کتاب ظور جنایات صدام را رنگین کرده است. ولی کشتار کمونیستها و هر

# تنظیم امر توزیع مواد ضروری کاری است لازم و درست

اقدامات لازمی که دولت جمهوری اسلامی ایران در تنظیم امر توزیع مواد فوق‌العاده ضروری و کثیر-الصرف، نظیر انواع سوخت یا خوارباری چون قند و شکر معمول داشته، یا حسن تقاضای هم‌مردم رزمنده، انقلابی، آزادیخواه و میهن‌دوست کشور رویرو شده است.

جمهوری اسلامی ایران در حال جنگ است، جنگی که امپریالیسم جهانخواه آمریکا بوسیله رژیم مزدور صدام تکریتی نیا تمهیل کرده است. کشور ما که هنوز از مصائب طاق‌فرسای طاعون «آریامیری» و عواقب فلاکت‌بار اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی آن کاملاً خلاص نشده بود، از درون و برون دچار هجوم گسترده و همه‌جانبه امپریالیسم غارتگر و مکار، پسر کردگی آمریکا و ضدانقلاب پرورده آن گردید. جنگ تجاوزکارانه رژیم ستمگر صدام تکریتی تنها مرحله‌ای از این هجوم گسترده است. طبعی است که بدون این تجاوز نظامی نیز، نوسازی بنیادی جسمانه و پاکسازی انقلابی همه نهادهای اجتماعی از نفوذ عمیق و خانمان-برانداز امپریالیسم، خود کاری است پس دشوار، که به طایبیت انقلابی، هوشیاری پیوسته و مبارزه و پیگیری نهادهای انقلابی و همه مردم رزمنده احتیاج دارد.

پیش از این جنگ تجاوزکارانه، خائنه و تحمیلی، در دوران

## در جلسه علنی روز پنجشنبه مجلس:

# از تقویت پشت جبهه نباید غفلت شود

امکانات لازم کشت را در اختیار کشاورزان قرار دهید

در جلسه علنی روز پنجشنبه مجلس شورای اسلامی، که به ریاست حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شد، یکی از نمایندگان خواستار کمک به کشاورزان جهت تولید محصولات کشاورزی لازم برای کشور شد.

در آغاز این جلسه نایق نوری، اولین سخنران پیش از دستور، ضمن بررسی شرایط کنونی کشور اظهار داشت:

«ما هرگز سکوت نخواهیم کرد. برای ما جنگ و دادن مال و شپید مسئله نیست. اما مسئله‌ای که باید به آن اشاره کنیم، مسئله پشت جبهه است. عزیزان ما در جبهه می‌جنگند و سخاوتمندانه جان می‌دهند، ما از تقویت آن جبهه و پر کردن خلاهایی که در آن‌جا پیش می‌آید، نباید غفلت کنیم.»

وی سپس به لزوم رسیدن به مرز خودکفایی در کشاورزی اشاره کرد و گفت:

«به دنبال دستور امام و آیت‌الله منتظری، وزارت کشاورزی باید امکانات در اختیار کشاورزان بگذارد. نباید شعار داد. هیئت‌های ۷ نفری می‌گویند دست ما بسته است و نمی‌توانیم کار کنیم. زمین‌هایی را که با ارسال جزء جنگلهای مخروبه بوده، اینها آباد کرده‌اند، ولی اصال از آنها شکایت کرده‌اند. حالا این کشاورز کجا را باید آباد کند یا کدام زمین؟ زمینداران بزرگ، زمین‌ها را بایر گذاشته و رفاه‌اند. کشاورزان این زمینها را کاشته‌اند و حالا همه آنها را به دادگما کشانده‌اند. چیر را کشت کنند؟! به کسانی وام کشاورزی داده می‌شود که سند داشته باشند همین که اعلام بکنیم، کافی نیست. وام را تجار می‌گیرند تا در تجارتخانه‌هایشان بر سرمایه‌شان بیفزایند و آنوقت کشاورزان با پای گل آلود دست خالی می‌مانند.»

نایق نوری سپس خواستار رسیدگی سریع به این مسئله شد. موسوی تبریزی، دومین سخنران این جلسه، در زمینه دادگما-های انقلاب و شرکت خود در دادگاه بهمنوان قاضی سخن گفت. او که به دنبال اعتراض بعضی از نمایندگان به شرکت نماینده قوه مقننه در امری که مربوط به قوه قضائیه است، صحبت کرد، از جمله اظهار داشت:

«من از آغاز مجلس، هم اینجا بودم و هم در دادگاه تبریز و هم قاضی شرع در جریان سینما رکس آبادان بودم. چرا آموخت صحبت



نکردید؟ چطور این عدالتخواهی فقط به یک فتوال، یک سرمایه‌دار و یک گروه سیاسی خاصی می‌رسد؟ خوب گردید اعتراض کردید، ولی چطور شد در موارد دیگر حرفی نزدید؟ اگر قبلاً گفته بودید ما از شورای تکلیفان می‌خواستیم مسئله را روشن کند، من می‌گویم همه باید در نظر ما مساوی باشند و هرکس مورد ظلم قرار گیرد، از او دفاع شود.»

## دستگیری ماشاءالله قصاب

موسوی تبریزی سپس ضمن تشریح چند اصل قانون اساسی در ارتباط با این مسئله، خواستار اعلام نظر شورای تکلیفان قانون اساسی در این مورد شد.

وی سپس اعلام کرد که در ارتباط با شکایت سعادت، ماشاءالله قصاب دستگیر شده است و بزودی محاکمه خواهد شد. او سپس در ارتباط با این سؤال که: چرا این دادگاه علنی نیست، به مطالب روزنامه‌ها استناد کرد و گفت:

«خبرنگاران روزنامه‌های داخلی و خارجی و خانواده متهم در این دادگاه شرکت می‌کنند. کجای این غیر علنی است؟ سخنران دیگر قبل از دستور امامی گلشالی بود، او ضمن سخنانی به پیروزی انقلاب، تفسیر رئیس جمهوری آمریکا و نیازهای روز مملکت اشاره کرد.»

پس از پایان سخنان امامی گلشالی، رئیس مجلس به واقعه تاسف‌انگیز فوت خواهر امام خمینی اشاره کرد و به ایشان تسلیت گفت. آنگاه مجلس وارد دستور شد و بررسی طرح قانونی اداره هدا و سیای جمهوری اسلامی ایران آغاز گردید. در این زمینه مواد ۲ و ۱۰ این طرح مطرح گردید. ابتدا ماده ۱۰ طرح شد و چندموافق و مخالف در این مورد صحبت کردند. سپس اصل ماده ۱۰، که مربوط به مسئولیت شورای سرپرستی در برابر مجلس است به تصویب رسید. آنگاه ماده ۲، که مربوط به نحوه انتخاب نمایندگان قوای سه‌گانه است مطرح شد.

قبل از بحث در مورد این ماده، مجلس بمدت ده دقیقه برای تنفس تعطیل شد، لیکن پس از این مدت جلسه مجلس غیر علنی شد و مجلس به این صورت به کار خود ادامه داد.

مشروح و واقع‌بینانه در جهت محکوم کردن تجاوز عراق و جنایاتی که ارتش عراق دروازه اشغال خود در ایران انجام داده به اطلاع ایوه شنوندگان رساندند. نماینده سفارت عراق برای تحریف کردن این توضیحات، که اثر عینی در شنوندگان باقی گذاشته بود، از این شگرد استفاده کرد که حلات خود را صرفاً متوجه نماینده کمونیستی عراقی کرد و گفت:

«من درباره گفتار نماینده ایران و خبرنگار ایتالیایی حرفی ندارم، گرچه آنها حقیقت را بازگو نکردند. ولی نمی‌توانم تفر خود را نسبت به این سخنان عراقی، که بجای دفاع از میهن خود، در خارج از کشور پسر میرود و علیه کشور خود تبلیغ می‌کند، ابراز ندامت.»

این گفتار تحریک‌آمیز، عصبانیت توده شنونده را علیه عراق متجاوز شدت برانگیخت. چند نفر از مبارزان قدیمی کمونیست ایتالیایی اجازه صحبت خواستند و یک‌زبان تجاوز عراق را محکوم کردند و گفتند: ما هم در دوران تسلط فاشیسم در کشورمان ایتالیا، چه در درون کشور و چه در مهاجرت، می‌جنگیدیم تا رژیم فاشیستی موسوینی را سرنگون سازیم، و همین علت هم مبارزه این ضد فاشیست‌های عراقی را عدلانه میدانیم و امیدواریم که آنها هم هرچه زودتر موفق شوند رژیم فاشیستی صدام‌حسین را در عراق سرنگون سازند.

این گفتارها با شور و هیجان مخصوص مردم خوقرم ایتالیا مورد پشتیبانی قرار می‌گرفت. در نتیجه مأمورین «امیت» عراقی مجبور شدند بسراغ‌فکندگی گرد هم آتی را ترک بکنند.

# خلبان جوان ایرانی: ما با مردم عراق نمی‌جنگیم و هرگز نقاط مسکونی شهرها را بمباران نخواهیم کرد

ایرانی، در خبرنگاران واقع‌بین خارجی‌تالری عینی بیجا گذاشته خبرنگار افزود:

«عراقیها پس از آنکه دیدند دم گرم‌ترین براهن سردخبرنگاران اتری ندارند، خیلی زود عذر ما را خواستند و روانه کشورهایمان کردند.»

گفتگوی دوم ما با دوست خبرنگاری از ایتالیا بود، او می‌گفت:

«فکر عمومی مردم مسلمان اروپای غربی، برای تجاوز عراق به ایران بطور چشمگیری به سود ایران تغییر یافته است. در این ارتباط، خبرنگار از یک گروه‌آمی در یکی از محلات شهر رم ترمیم می‌کرد:

«ما به خواست مردم آن منطقه، از طرف حزب کمونیست ایتالیا یک گروه‌آمی عمومی برای توضیح جنگ میان عراق و ایران تشکیل گردید. بعنوان سخنران، یکی از خبرنگاران ایتالیایی، که از عراق دیدن کرده بود، نماینده سازمان حزب توده ایران در ایتالیا، نماینده حزب کمونیست عراقی در ایتالیا، در جلسه شرکت داشتند. سفارت عراق هم، که از این گروه‌آمی اطلاع یافته بود، یکی از دبیران سفارت و چند نفر از مأمورین خود را فرستاده بود. هم خبرنگار ایتالیایی و هم نمایندگان حزب توده ایران و حزب کمونیست عراق توضیحاتی

هر قدر ما اصرار کردیم به ما اجازه دهند که با این اسیران صحبت کنیم، عراقیها زیرسار لرزیدند. در همان ساعاتی که در آنجا بودیم، هواپیمای نیروی هوایی ایران حملاتی به شهر بردند و در این حمله، پس از بمباران ناحیه بندری، یکی از این هواپیماها مورد اصابت قسامت گرفت. پس از یک ساعت خلبان این هواپیما را که اسیر کرده بودند، به پایگاهی آوردند که ما مخبرین در آنجا بودیم. باز هم مأمورین اطلاعات عراق می‌خواستند در مز ما خبرنگاران فرو کنند که گویا هواپیمای ایرانی نقاط مسکونی شهر را بمباران کرده‌اند.»

«هنگامی که خلبان اسیر ایرانی، که جوانی ۲۲-۲۳ ساله بود و با قدمتی پر از غرور و پرشادان، با نزدیک شدن یکی از خبرنگاران فرصت را غنیمت شمرد و بدون اجازه مأمورین عراقی به او نزدیک شد و به زبان انگلیسی از او سؤال کرد:

«آیا درست است که شما نقاط مسکونی را بمباران کرده‌اید؟»

خلبان جوان ایرانی بزبان انگلیسی پاسخ داد:

«ما با مردم عراق نمی‌جنگیم و هرگز نقاط مسکونی شهرها را بمباران نخواهیم کرد.»

این خبرنگار می‌گفت:

«این جمله کوتاه این خلبان

از گفتگویی که چند روز پیش با دو نفر از خبرنگاران اروپایی داشتیم، دو نکته جالب را برای خوانندگان نامه مردم، بازگو می‌کنیم:

خبرنگاری که در هفته‌های آغاز تجاوز نظامی رژیم صدامیه ایران در عراق بوده، می‌گفت:

«روزهای اول، سازمان اطلاعات عراق هر روز وعده میداد که در ساعات و حداکثر یکی دو روز آینده، سروش جنگ برابر حمله «پرواسی عراق» تعیین خواهد شد دولت جمهوری اسلامی ایران به‌زود در خواهد آمد. ولی هر روز که می‌گذشت، ادعاهای تحریف پیدا میکرد و برعکس، تبلیغات دروغ علیه ایران افزایش می‌یافت. منجمه مأمورین اطلاعات عراق اصرار زیادی داشتند تا خبرنگاران را وادار کنند که درباره محلات هوایی ایران به نقاط مسکونی شهرهای عراق اخباری به خارج بفرستند.»

این خبرنگار می‌گفت:

«هر یکی از بلندترین ساختمان‌های بغداد، زندگی میکردم و شاهد بودم که هواپیمای جنگی ایران، که در ارتفاع بسیار کم پرواز میکردند، تقریباً از جلو پنجره اتاق من با سرعت برفی عبور میکردند و من هرگز نتواندم که در مناطق مسکونی بغداد بمبی انداخته باشند.»

این خبرنگار می‌گفت:

«عراقی‌ها هرگز جانی را به ما نشان ندادند که شاهدان این ادعایشان باشد. روزی همه خبرنگاران را به بصره دعوت کردند و هر چه ما نشان دادند خرابیاتی بود که برای بمباران هدفی نظامی وضعی موجود آمده بود. در پایگاهی که خبرنگاران را پذیرائی میکردند، تعدادی اسیران ایرانی هم بودند.»

## توجه!

نوشته‌های زیر، که در شماره‌های اخیر نامه مردم، بیجا و بسیده است، برای مطالعه ویژه رفا توصیه میشود:

- نورالدین کیانوری: «پرسش و پاسخ» (شماره‌های ۳۶۵-۳۶۴):

- گس‌هال: روند تاریخی بازگشت‌ناپذیر است (شماره ۳۶۸).

## نامه مردم

انگن مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز  
و مدیر مسئول:  
منوچهر بهزادی

خیابان ۱۶ آذر شماره ۲۸  
(دفتر نامه مردم)  
هنوز در اختیار  
نامه مردم نیست

### NAMEH MARDOM

No. 371  
15 November 1980

Price:

West-Germany	0.80	DM
France	2	Fr.
Austria	8	Sch.
England	20	P.
Belgium	10	Fr.
Italy	350	L.
U.S.A.	40	Cts
Sweden	1.50	Skr.

خوانندگان گرامی نامه مردم و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه مردم مکاتبه کنند:

صندوق پستی  
۱۴/۳۵۸۱، منطقه  
۱۴ پستی تهران